

# نویسنده

سال سوم - شماره ۵۴ - بهمنه ۴۰ آبان ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(فوق العاده)

## اطلاعیه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

# پیروزی مبارزه مقدس انقلابی مردم ایران!

می داند اطلاع کسب با دادن برخی امتیازات به کتوهای ناراضی و ایجاد تفرقه در صفوف مخالفان رژیم وضع راه سودر با و امپریالیسم تشییست شده.

ولی با سرخلاف انتظار رژیم و میان داخلی و خارجی، این تاکنیک نیز نمیتواند حاصلی به بار بیاورد. حوادث کشور با نمایانگر آنتیگه این اقدامات در عزم ستو است که فتوری بجا کند. اختاد میان اجزاء مختلف مخالفان راه اردم و تاز تر و عمیق تر می گردد. جنبش خواست های خود را به شکل قوی تری مطرح می کند. همه چیز حاکی از آنتیگه جنبش مردم ایران راه انقلابی خود را در آینده نیز خواهد پیمود و از جهت کیفی وارد مرحله یک مبارزه عمیق تر شود بدستی خواهد شد. همان طوره که حزب ما در اعلامیه کمیته مرکزی مورخ ۱۲ شهریورماه سال جاری تصریح کرده، در شرایط کنونی تنها راه خاتمه دادن به بحران همین اقتصاد، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران استقرار یک حکومت انقلاب ملی است. حزب ما در این سبب مهم تاریخی وظایف تعیین حکومتی را در زمینه تأمین آزادی های دموکراتیک ها خاتمه دادن به رژیم ترور و اختیاری، در زمینه تأمین استقلال ملی ها خاتمه دادن به سطره امارت آورا امپریالیسم، در زمینه تأمین ساری اقتصادی و بهبود زندگی عمومی و خاتمه دادن به فارتگری تاخرگران داخلی و خارجی و شکاف فقر و ثرو، به شکل مشخصی بیان داشته است.

حزب ما در این سبب مهم تصریح کرده است که به نظر وی هدمی که باید به جبهه نیروهای مخالف رژیم در شرایط کنونی دنبال کند عبارت است از استقرار یک حکومت ملی و سطره امارت آورا امپریالیسم، در زمینه تأمین ساری اقتصادی و بهبود زندگی عمومی و خاتمه دادن به فارتگری تاخرگران داخلی و خارجی و شکاف فقر و ثرو، به شکل مشخصی بیان داشته است. حزب ما در این سبب مهم تصریح کرده است که به نظر وی هدمی که باید به جبهه نیروهای مخالف رژیم در شرایط کنونی دنبال کند عبارت است از استقرار یک حکومت ملی و سطره امارت آورا امپریالیسم، در زمینه تأمین ساری اقتصادی و بهبود زندگی عمومی و خاتمه دادن به فارتگری تاخرگران داخلی و خارجی و شکاف فقر و ثرو، به شکل مشخصی بیان داشته است.

حزب ما در این سبب مهم تصریح کرده است که به نظر وی هدمی که باید به جبهه نیروهای مخالف رژیم در شرایط کنونی دنبال کند عبارت است از استقرار یک حکومت ملی و سطره امارت آورا امپریالیسم، در زمینه تأمین ساری اقتصادی و بهبود زندگی عمومی و خاتمه دادن به فارتگری تاخرگران داخلی و خارجی و شکاف فقر و ثرو، به شکل مشخصی بیان داشته است.

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران بر آنست که مانند سابق وحدت عمل کلیه نیروهای فدو رژیم در جبهه ضد دیکتاتوری عامل موثر بیسترفت و شرط کامیابی نهضت است. با نظر خود را در باره مسائل مطرحه در مقابل جامعه ما راها از آنست که داده ایم و به نوبه خود برای اخذ تماس و مذاکره با همه نیروهای مزدبیم آماده ایم. ما سرخسی عناصر و سروه را که تصور می کنند با اتحاد بگ روش مندونه ای و ضد کمونیستی می توانند به خود راه گشایی کنند، از عواقب صریح چنین پندار خود بر خیزد می داریم. نباید فراموش کرد که ارتجاع و امپریالیسم با همسببانه ها "حزب کمونیسم" حکومت ملی دکتر محمد مدق را سرکون ساختند و رژیم کنونی از زبان دولت تریف امامی سرزای توسعه جایت ۱۷ شهریور با هم پای "حزب کمونیسم" را می بین کنید.

ما به نوبه خود روش خویش را برپا به اتحاد با همه نیروهای استوار کرده ایم و در آینده نیز در جهت ای اتحاد و علیه سطره و فقره افکشی از جانب رژیم و عاملان مبارزه خواهیم کرد. ما خواست رهاکاری را به همه نیروهای مخالف رژیم استنادی برپا به برنا مشترک هستیم. ما بر آنیم که در شرایط کنونی با پدیداری در مقابل رژیم و نیروهای مختلف آن، با عزم واضح ادامه یابیم. باید مبارزه را گسترش داد و تعمیق و تشدید کرد. ما از کلیه اشکال و نسبه های مختلف مبارزه خلق که منکی به نیروی مردم باشد و امری با راز جهت صحیح و نتیجه ای پیشرفت دهنده نوبه خود پشتیبانی می کنیم و در راه رزمه ۲

در دوران جنگ دوم و پس از آن اولی طوره های میازات دموکراتیک خلق در جهان آن روز مصوب می شد. مردم ما با نبیست بزرگ ملی کردن صنایع نفت پس از جنگ دوم، یکی از برجسته ترین میازات علیه امپریالیسم را انجام دادند. کشور ما با جنبش کنونی خود یک بار دیگر نشان داد که سنس و روحیات طیفی انقلابی علیه ستگران و فارتگران داخلی و خارجی در ایران ریشه های عمیق دارد و سخت در اختیار دشمنگانی که خیال می کنند با مردم راسی توانستیم و ستانه تازاج کمندوسی کثیر در فریست استنادی فریستند.

جنبش کنونی مردم ایران جنبش است عمیقاً طلی، جنبش است دموکراتیک، جنبش است علیه حکومت مطلق یک پادشاه خائن و خونخوار، جنبش است ضد امپریالیستی، زبرایه خویش می اندازد و نیروهای جهانی رژیم وابسته کمونی را بر سر مردم ایران تحمیل کرده است و برای چه منظور آن را حفظ می کنند. مردم ایران تیگ می دانند که علت وجودی این رژیم آن است که از فرمانتاسی درست امپریالیست ها برای اجراء سیاست خائنانه نفت-طلعه و انواع فارتگری های دیگر است. مردم تیگ می دانند که رژیم چنین می جبار، چنین چپا و لگرو چنین هیات بیستند در تاریخ معاصر کشور ایران زبنتاسی ندارد.

جنبش کنونی مردم ایران، هم اکنون با یک گار جانبا زانه و قهرمانانه معاهدان خود توانست افسانه های را که شاه و جارجیان رژیم به حد ستوه آورنده ای تکرار می کرده اند، حاکی از این ستوه گویا رژیم شاه، ایران را به "جزیره شکست" بدل کرده و این که گویا مردم ایران "نظام شاهنشاهی" را یک نظام طلی می دانند و با شوق و ذوق به دنبال شاه و انقلاب او می آید. فرتگری ست گام برمی دارند یعنی به با داداد و سنگی بر ستگان این دعای دروغی باقی نگذاشت. روشن شد که آنچه که تا کنون واقعی رژیم است عبارت است از استقرار رژیم کمیک و ترور و اختیاق و اوک وادگاه های جبارانه نظامی، دستندگی و انضیاد در مقابل امپریالیسم گناز دست امپریالیسم برای غارت منابع نفت، انخاد سیاست فتنه خیز درها برای نظام مغرب و خرسون آمیز طلعه و بندوبست های ضد خلق با امپریالیسم و صهیونیسم، تسلط کردن خاندان فاسد و پدر ور پهلوی بران و مال و محبت مردم، سطره راه انداختن گیش ارتجایی و فتنه آورا ختنه ای و اجراء اشین های سیاسی شاه، فارتگری بانده سلط دست نشاند شاه و امپریالیسم، ایجاد دره عمیق فقر و ثرو، ایجاد فساد و اختیاق در بسیاری از رشته های معنویات و فرهنگ کشور و غیره.

روشن شد که استخاد و اختیاق اولی طولاسی حزب ما و دیگر نیروهای ضد رژیم ست ماحق بود و هزاران لاف و کرافت های که آن را در کتله های منسوب به خود در معاهدات صحابه تکرار می کنند، با طیلی بیست نبود. این خود یک پیروزی منسوی بزرگ نیروهای انقلابی و مترقی خلق است که هیچ دستی قادر به زدودن اثرات آن در تاریخ نخواهد بود.

در ۱۷ شهریور ماه سال جاری شاه که ارمیست سیرومند گریه و جوار و خفت مرگ شده بود، با انشاد تا شد امپریالیسم های آمریکا و انگلیس بار دیگر فریست شد که ارانه خود را بر ما بیست ما لست آمیز مردم وارد کرد. نتیجه این سیاست فیسف هزاران شهید، زخمی و بیست از هزار زندانی است. در این روز در ۱۲ فرست حکومت ملی اسلام شد. جیمی کارتر رئیس مهوری آمریکا که خود را عوام فریسانه "حاجی معقوب" جلوه می دهد و کالاهای نفت و زینت و زینت بیست انگلستان پشتیبانی خود را از علما اعلام داشتند. رهبران جیسی همدوش امپریالیسم از رژیم ارتجایی شاه حمایت کردند و روزنامه های ماوشیست جنبش نیز سرخس خوین شاه علیه خلق را با اختیاق رها می کردند. توسعه کردند.

هدف ما و میان امپریالیستی او زاین اقدام خاتمه دادن به جنبش خلق است. حساب آنها است که به انخاد سرخسگان امپریالیست های امریکسی و انگلیسی و گاشی مانند جفر تریف امامی و طلی اردلان و نیساران وابسته ای مانند اوس، پرده باقی، صوری، مقدم و انشاد آنها، یک نظام شاهنشاهی به اصطلاح "لیبرال" ایجاد کنند که بتواند آنچه که آنها را حفظ های تاکنیک رژیم

اطلاعیه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران جنبش بزرگ مردم ایران علیه رژیم مطلق استنادی محمد رضا شاه و میان امپریالیستی آورا مورخ برسی همه جانبه فریادند. کمیته مرکزی حزب توده ایران هنوز در زمانی که این رژیم به سطره همه جانبه خود میازید، برپا به تحلیل علمی وضع جامعه، پیش بینی کرد که ایران اقتصاد و سیاسی این رژیم، عمقی بی پایه خواهد یافت و در نتیجه حثت یافتن تصاد علی با رژیم وابسته، ختاد خلق با امپریالیسم و سیاست ستو استعمار دین در ایران، دوران فروگشت جنبش خاتمه خواهد یافت و اختیاق مجدد نه تاگزیر آغاز خواهد شد. کمیته مرکزی حزب توده ایران بر اساس این تحلیل علمی از زمان موقع مبارزه در راه سرکون با این رژیم استنادی معاهدات را وظیفه مردم جنبش اعلام کرد. حزب متذکر شد که سرکون با ختن این رژیم شرط مقدم حرکت جامعه ما به سوی هدفهای ملی و دموکراتیک مردم ایران است. حزب ما بر نشان ساخت که وسیله اساسی نیل به هدف، وحدت عمل کلیه نیروهای مخالف رژیم و ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری است. کلیه میازات حزب ما از آن تاریخ متوجه شاه و پیشرادایسن ستار هاند. حزب ما توجه داشت که در شرایط آوری جهان که در اثر تغییر تناسب نیروها به زبان امپریالیسم و ارتجاع، رژیم های ارتجایی وابسته به امپریالیسم بیست به وسیله ناپیل به می شوند، نفش عامل ذهنی، نفش رهبری درست به نشی بازم موثر ترا گذشت بدل می شود. سرای آن خاگانان با لثوه ای که وجود دارد هر چه بهتر و سریعتر و پیگتر استفاده به عمل آید. سیر حوادث نشان داد که حزب در نشی او است عمیقاً ختوره جارا اختیاق ننده بود. از یک سالونیم پیش جنبش مردم ایران یک درجاه اختیاق تصادی گذاشت. این جنبش علی رغم ماورهای سراسیمه رژیم شاه و جارجیان و چاکراتی به سرعت گسترش یافت و کارگران و دهقانان، دانشجویان دانشگاه ها و دانش آموزان، طلاب و روحانیون، مزدبیم، بیستوران، کسه و بازگانان، دست های مختلف و شوشتگران ازبویستند، هنرمند، روزنامه نگار، وکیل عدلیه و قاضی، بیست های وسیعی از زنان و فترت های مختلف جوانان، در یک کله اکثریت بیست جامعه ایران را در بر گرفت و در روزهای ۱۲ تا ۱۷ شهریورماه به اوج خود رسید.

راه سیاسی ما و نشی های چند میلیونی مردم در این روزها طلعت می شنای نهضت خلق را علیه رژیم و شخصی معمد رضا شاه که با نشی او میبست با چنین خورا فریستی ابر قدرت می بنداشت و معاندانها شد نشان داد.

رژیم بکرات کوشید تا با راه انداختن فتنه ها تاکننده میدان کندین چا فوکتان و او با بیست نشاند خود را با همه اصطلاح "کمیته های اقدام" و "کمیته های اختیاق" و جناح های رنگارنگ در حزب معمد رضا شاه "رستاخیز"، با تویل به انواع عوام فریسی ها و سرانجام با کتارها در شهر های تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز و قم آبادان و دیگر شهرها و شهرک ها جلوی بیست نهضت را بکنند. ولی رژیم و مزد دارش شاه و حامیان امپریالیستی آن با صبر تمام دیدند که سیر طلق در اثر فریات وارده نه تنها به سستی نمی گراید بلکه دم به دم تشدیدتو عزم وی به ادامه مبارزه جزم تر می گردد.

هم اکنون بی توان با اطمینان گفت که جنبش مردم ایران در تایستان سال جاری از جهت فراگیری فترت های مختلف اجتماعی، از لحاظ دامنه اثر در سرراگشتور، از جهت سطح آگاهی مردم و قاطعیست خواست های سیاسی و اقتصادی مطرحه، در تاریخ معاصر کشور ما نظیر ندشته است.

این واقعت که جنبش به طور عمده، رنگ مذهبی به خود گرفته است از طرفی از آن جهت است که رهبران مذهبی ضد رژیم در جهت خواست های طلق گام برداشته اند و از طرف دیگر از آن جهت است که در شرایط انشاد سیه ۲۵ ساله برای این شکل مبارزه امکاننا فراهم بود. لذا شمیرات جرایب پیروزی بی فربگی می خواهد جنبش را یک واکتسب فزون و طقی و ارتجایی علیه تاهی که گویا مطلع و ستو آورا ست جلوه دهند، مطلق ای است و سوچ و مزدب.

مردم ایران با انقلاب پرافتخار مشروطیست پیشتر از انقلابت آسیا بودند. میازات مردم ایران

# با اعتصاب عمومی سراسری کودکانی نظامی شاه را ختنی کنیم!



# هفته‌نامه نوبت

سال سوم - شماره ۵۲ - شنبه ۶ آبان ۱۳۵۷ (وابسته به حزب توده ایران)

## سرداران حزب ما خوش آمدید

رفقای رزمنده توده ای: رفیق صفی‌قهرمانی، رفیق رضا غلتوکی، رفیق محمد علی موسوی، رفیق عباس جهری، رفیق بوترباب باقرزاده، رفیق تقی کی‌نوش، رفیق اسما عیسی ذوالقدر، رفیق غنی بلوربان...

آزادی شما پس از ۲۵ تا ۳۰ سال زندان - که هر لحظه آن از مبارزه الهام انگیز و ایجابی شما سرشار بود - موحی از سرورد دل همه بی‌ساران و سرداران حزب توده ایران و مردم آزاده خواه ایران می‌باشد. مبارزانی که در طول این سالهای تیره و تلخ، با مقاومت جاسوسی خود، مظهر شکست ناپذیری و طاقیت مردم و حزب توده ای می‌بودید. شما به نیروی لگالی که در وفاداری و پیوند با خلق، در عویش برانگیختید، زندانها و شکنجه‌های استبداد را فتح کردید و چون قلب زنده و گرم خلقی‌های مادر لعل‌دشته و مرگ و زخم، تپیدید و سرود خواندید. مقاومت شما پیکرهای از رودخانه‌های بودگی اسیر و ز امواج طغیانی جنش انقلابی مردم در آن جاری است و آزادی شما خود مشرفه و سوب انقلابی - عاطفی است که این روحانته پرشمنت و شفا بخش بر جای نهاده است. شما میراث مبارزه نعل گشته را در وجود خویش به میان نسل جدیدی از مبارزان منتقل می‌کنید. دست گذشته را در دست آینده می‌گذاردید به عنوان طلبه داران سپاهی که موفقت شکست خورد، اما آرزای در نیامده بر روی طبقه خود بازمی‌آید و دلبری با فشرده ایران با حزب مردم و جان داران آن، برای مبارزان این نسل طعموم و جانده‌های قهرمانی و عشق را نصیب می‌کنید. مبارزات و اشقات پرشور شما در زندان می‌تک برگی‌های افتخار و غرور تاریخ مبارزات می‌باشد. ما افتخاداریم مبارزان و فرزندان جوان و شیفگان آزادی، از این مبارز زنده و بر نشین‌های گرانمایه ای می‌آموزیم. این اشیات پیروزی دوباره شماست، اشیات این طبقه است که جوانی وزندگی شما پندت برسان نیست، بلکه در وجود مبارزان تازه و در میدان رزم‌های انقلابی امروز و فردا، در برابر شما ومات...

## نقش طبقه کارگر در مرحله کنونی جنبش انقلابی ایران

مبارزات گسترده انقلابی مردم ایران طبقه استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم همپسان راه اعتلا می‌پویید. این مبارزات که از یک سال پیش دوران پرشکوه و غرور خود را آغاز کرده به دوران آغاز شور و شوق فرا گرفت. دشواری‌های دامنه وسیع و ژرفای معینی یافتند که دور نمای اعتلا و ارتقا، آن به مراحل عالی‌تری بگذار انقلابی بسیار روشن و درخشان است. اما این جنبش گسترده انقلابی، با وجود پیشرفت‌های که در مبارزه فدهیکتا توری حاصل کرده و طبقه جنبش‌های محدودی که رژیم استبدادی به برابری آن به خارج به آنتهاش داده است، هنوز توان آن را نیافته که لائق همه آزادیهای مطرح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد. خواست متدینترین نیروهای جنبش فدهیکتا توری در لحظه کنونی است، تحصیل و تانمین نماید. حتی نعل به همین حد قابل نیز در گرو تشدید جنبش از پیش مبارزه و تجهیز و اتحاد همه نیروهای مخالف رژیم است. هدفی که خود از نظر مردم ایران تنها می‌تواند گام نخست و پیش درآید مبارزات گسترده تری است. نعل به دگرگونی‌های بی‌سایه و انقلابی سیاسی و دموکراتیک باشد.

آنچه که در لحظه کنونی برای جنبش فرورت حیاتی دارد و رخد بی‌وقفه، جنبش و پیگیری و پویایی آن را در جهت حرکت به سوی آماج‌های عالی تر مبارزه انقلابی مشخص می‌کند و آنگهان بر توان جنبش می‌افزاید که بتواند به سرعت رژیم تروریستی و بی‌اطمین استبدادی را واژگون سازد و کسب آزادیهای دموکراتیک را و پیشه شخصیت پیروزی‌های به دست آمده و تانمین پیروزی به سوی هدفهای ملی و دموکراتیک به سطوحات زحمتگرو افکار ملی جامعه فرار دهد. منظور کامل طبقه کارگر در مرحله مبارزه انقلابی به مبارزه یک طبقه متخلل و برای خود است. ویکی از مهم ترین طبقه‌های نعل به این هدف، مبارزه پیروزی گسترده در راه تانمین آزادیهای سدهیکایی و اتحادیه ای به منظور تریخ در پیوند مبارزات جنبش و سیاسی کارگران ایران است.

حزب ما، حزب طبقه کارگر ایران است. طبقه کارگر ایران نیز امروز همه خرین و کثیرالعدد خرین طبقه جامعه است. نه تنها سرنوشت مبارزات ملی و دموکراتیک و پیگیری‌های طبقه‌ای آن به منظور رفاهی جامعه ایران از هرگونه ظلم و ستم و استعمار و ترسک و سبب کارگرانه ایهای تخیلی سرگردگی از جانب آنان است، بلکه در مبارزات کنونی طبقه استبداد خونین سلطنتی نیز کارگران نقش تعیین کننده دارند. این طبقه با اطمینان و بدون کمترین تردیدی اعلام داشت که جدا از طبقه کارگر و بیرون شرکت وسیع و فعال آن در مبارزه، جنبش فدهیکتا توری نیز نافه کانس پیروزی است. این امر به ویژه با بدیهه‌دوستی آن نیروهای فرارگیرنده، که اگر چه در مبارزه به خاطر آزادی و دموکراسی اعالت دارند، لیکن همه سهو یا به حد معینی طبقه کارگر را دیده‌اند و می‌توانند و با آن را دست کم می‌گیرند.

حزب ما، حزب طبقه کارگر ایران است. طبقه کارگر ایران نیز امروز همه خرین و کثیرالعدد خرین طبقه جامعه است. نه تنها سرنوشت مبارزات ملی و دموکراتیک و پیگیری‌های طبقه‌ای آن به منظور رفاهی جامعه ایران از هرگونه ظلم و ستم و استعمار و ترسک و سبب کارگرانه ایهای تخیلی سرگردگی از جانب آنان است، بلکه در مبارزات کنونی طبقه استبداد خونین سلطنتی نیز کارگران نقش تعیین کننده دارند. این طبقه با اطمینان و بدون کمترین تردیدی اعلام داشت که جدا از طبقه کارگر و بیرون شرکت وسیع و فعال آن در مبارزه، جنبش فدهیکتا توری نیز نافه کانس پیروزی است. این امر به ویژه با بدیهه‌دوستی آن نیروهای فرارگیرنده، که اگر چه در مبارزه به خاطر آزادی و دموکراسی اعالت دارند، لیکن همه سهو یا به حد معینی طبقه کارگر را دیده‌اند و می‌توانند و با آن را دست کم می‌گیرند.

## مردم

### درهای زندان‌ها را می‌گشایند

زندانهای ایران در حال فروری است. آزادی گروه بزرگی از زندانیان سیاسی - اینست فرزندان مبارز و آزادیخواه و جنگی ناپذیر طبقه کار ایران - نشان داد که در راه رژیم استبدادی شاه، به سرعت بر وادی، برادرش فریات سیمگین جنبش انقلابی مردم در حال فروری و رختن است و در فلک طبقه در زیر باران آتش و خون و مرگ هر روز یافت تازه از قلب استعجابات بدین جنبش می‌رود. آزادی قهرمانان درینده طبقه اگر چه با وجود هزاران زندانی سیاسی باقی مانده پیروزی ناطقی است. اما در همین حال نمی‌توان به این پیروزی اطمینان داشت که تنها و تنها شرف مجاهدات جانپارزانه توده‌های وزنده و با ایمان مردمی زندانیان تصویرناپذیر است. کم بها داد وجود زندانیانی چون صفی قهرمانی - منوچهره دموکرات آزادی‌جان، سازمان ابالی حزب توده ایران - ۳۰ سال در آسارگاه‌های قاه بود و اسیران توده ای که ۲۵ سال در زندانها و شکنجه گاهای حکومتی صامه مقاومت و شکست ناپذیری گذرانده‌اند. قهرمان مارازندگی گردن توده اشبات رساننده و نیز دهها عقاب خونین پر، اما ضرور و سرفراز، در میان آزادمندان، مؤبه نیرومندی و طاقیت جنبش دموکراتیک مردم است، چرا که طی این سالهای تلخ و سیاه، هیچ جنبش و تالیقی موفق نشد زندانیان را در زندانهای ایران رها نگردد. فرزندان قهرمان اما وارد. و اینکه که دیوار زندانهای شاه شکاف برداشته، مردم در وجود زندانیان آزاده، سازمان ابالی شکست بارافتخاری و زجر و زنجیرها، با فاکتورهای پیروزان عویش را می‌بیند و سنده‌های مکتوبیت این نظام متکی به حس و شکنجه و کتبان و فریب‌رادی بر برابر سرود می‌یابد. آنها از خود می‌پرستند و می‌گویند که با توبه و برگ و آراز کردارهای گذشته و آزاد کردن زندانیان در راه دردمند...

## برای آزادی "به‌آذین" مبارزه کنیم

انحاده دموکراتیک مردم ایران - با شکوهی نیازم مردم این مرحله تاریخی است که به ترتیب مسائل سرنوشتی استبداد، ملیت‌پرستی، آگاه خلقی و آزادی‌های قاه مردم و استقلال نام و تمام کنونی و از طریق نظر و روش و اطمینان سیاسی و نظامی و اقتصادی به امپریالیسم و فریب‌مردم ایران می‌گذارد.

دستگیری محمود افشار (داده) به آذین (دبیر کل) اتحاد دموکراتیک مردم ایران و دموکراسیون تواند، نشان داد که رژیم فدهلی استبداد شاه علی رغم نظامی که به چهره زده و صاهیه بسیار که بر سر آزادمزای نظام سیاسی سده است، انداخته، به هیچ وجه حاصل حرکت‌های جدی دموکراتیک و ملی را ندارد. به آذین تنها به اتهام انتشار رقا بدیسی است که حتی از چاروب سنگ و مفر قانون اساسی ایران فراتر رفته، مورد غم و هموم کسانگان استبداد وابسته به امپریالیسم فرار گرفته است. رژیم سواطریخ حتی در نخستین روزهای خیمه شب بازی دموکراسی خود، آنرا که در گفتارها و لغزشی مسرور می‌کند، در گرداوزه بر می‌نهد. انگیزه اصلی هموم استبداد پیرو به دموکراتیک اتحاد دموکراتیک مردم ایران، را به آذین در بیانیه ای که طوری مباحثی این سازمان سیاسی اشاره خاص است می‌توان دریافت. در این بیانیه آمده است:

## انحلال ساواک و مجازات عمال جنایتکاران، شرط مقدم حرکت بسوی آزادی است

# فاجعه همدان و چهره بی نقاب تجاوز

اجرای تجاوز و هتک ناموس از دست دشمنان  
 حرمال دانش آموز در گلشنی همدان، بگنایدگر  
 چهره هیولارومیزی فسادگشایی رژیم را که چون  
 بختک به روی سینه با افتاده، به روشنی تمام  
 نشان داد. این فاجعه که به طریقت ویا شکسته و  
 بی رنگ در روزنامه های مدعی رها شده از تیغ یا نوسر  
 منتشر شد، صحنه دیگری از اعلام جنگ رژیم شاه -  
 سرنیزه - به مردم و بی خاضعی مردم را در برابر  
 حکومتی که به جای پاسداری امنیت جامعه، خود  
 مجزورترین میجامد و وصل این امنیت است، بر تلگراف  
 ما چرا از این فراری بود که همین اردگانی دختر ۱۲  
 ساله دانش آموز همراهِ خود تخریبی حاصل دیگر در  
 جریان ظواهرات رژیم توسط گوریل های مسلح  
 شاه مستکبر کرده و به گلشنی منتقل می شوند. در  
 گلشنی همه دختر به طرز بی شرمانه ای با تنف  
 مورد تجاوز قرار می دهند. همین کوچولو که وقت  
 این همه گستاخی را ندانست، خود را می کشد و پدرا  
 پیراهن خون آلود دخترک محرم را مقابل دبیرستان  
 میبرد و با بی وقاحتی به همه هتاکر های سیاسی  
 صحنه می زند: " من این همه ظلم را به چه  
 بگویم؟ آنچه مرا بر پر کرده، این پیراهن خونین  
 همین کوچولو و همراهِ گریه میزننده است... و...  
 ما هنوز با این طعنه های انگ آلود وقت های  
 گره گزیده به خیابان های ریزند و نظا هرات غم و  
 همان سراسر همدان را فرا می گیرد. بلیه ما چرا  
 همه می دانند: شکله های آنش، نظا هرات و راه  
 سیاسی مدها هزار نظری خیابانی، شهید شده گروهی  
 از مردم بی دفاع در جریان ظواهرات اعتراضی...  
 فاجعه دلخراش همین اردگانی دختر جوانی است  
 برای شکله زدن به غرض این آماده غم مردم بود، اما  
 این حادثه از این نظر خاص تر اهمیت است که  
 نشان می دهد دستگاه استبداد برای مقابله با  
 اعتراضات و تظاهرات و حرکت های مبارزه چو پانته  
 خوده های طبقه به تنه آمده، ابزار و راهی جز  
 قتل و گانگترسیم، راهزنی و قتل و غارت  
 مسلمان و وطنی، تجاوز به ناموس مردم، و ارتقا

آنها ندارد. رژیم که طبقاتی و فاشیستی  
 زدن سینما رگس آبادان را گسترگرددن پیش از ۸۵  
 شما تاگر آن، آتش زدن مسجدی که گورمان سوزاندن  
 کتابها و آلبوم ها و تجاوز به دفتران دانش آموز و  
 گلگله باران کردن مردم بی دفاع در کوهه هوار  
 خیابان های هوار سرگوب شد، تا دستور سیاسی  
 پایگاه خروارگان تراژاست که امیدمانند داشته  
 باشد. ده سال این رژیم غارتگر و تجاوزکار با  
 قروانه ظلم روش ها و تبه گارترین هراسل و  
 ما موران طبقه غوم خود را بر زمین مردم ما حفظ  
 کرده و حالا با حفظ همان روش ها و عوامل، مدعی  
 تخریب رویه و بازگردن فضای سیاسی اختناق زده  
 مملکت است. نظم سرنیزه و تجاوز دست نخورده  
 باقی است و این سیستم فاشیستی جز فظور و فظای  
 فاشیستی آموزش و عادت ندارد. گاه با زندانیان و  
 دژهای و وسایط گار آن چگونه می توان آ زادی  
 امنیت و فاشیون راه کشور با زنگردا؟ همین  
 اردگانی، قربانی تجاوز یک یا چند ماور گلشنی  
 نیست، او قربانی رژیم وطنی است که جوشور  
 مظلومش اختناق و تجاوزات و این تجاوزگاه به  
 شکل هتک ناموس دختران دانش آموز گاه به صورت  
 شکنجه و زندان فرزندانی خلق، گاه با زندانیان و  
 شکنجه هزاران زن و مرد و کودک در میدان ژاله و  
 میدان همه شهرهای کشور، گاه با خفه کردن زنان  
 متخین در حوض صحت شیراز، گاه با به راه انداختن  
 دسته های فاشیونی و اوباشان چاق به دست و  
 انداختن بمب در خانه شخصی های مبارز ملی و  
 فرستان گناه و دوا ما موران پلیس در لیبی می مدل  
 به میان طرف جنبش برای تخریب و گشتن آن به  
 سیراه، جلوه می کند. در برابر چنین واقعه ای  
 است که هنوز کلمات پراکنش و وحیقت سیراز را  
 کربانی در محکمه قلابی قاجار، دوباره در گوش ها  
 رنگ می زند:  
 - درخت فاشی را از ریشه باید قطع کرد.

## مردم درهای زندان هارا...

سیاسی و قبول برداشت فرانت به آنها - اگر چه به  
 طور کلی - بیدادگری و قانون شکنی و جنایات خود  
 را تا شعله کرده و شیوه ها و اصول حکومتی فاشیستی  
 را محکوم کرده است، چه مجوز وحشی برای ادامه  
 جنایات دارد؟ اگر این ادعاهای گول زنگ مینگین  
 رژیم درست است که شیوه های ظالمانه و فاشیستی  
 مردمی حکومت باید دگرگون شود، چرا هنوز ما را ک  
 که ابزار همه جنایات و ستم با بوده و نخست،  
 همچنان بر جاست و لذا لانه سیاست های تخریبی و  
 توطئه های رذیلت خوردا ادامه می دهد؟ چرا  
 محکمه های نظامی که منسب بی عدالتی ها و جنایات  
 دربار در بالای سر مردم بوده اند، همچنان با  
 اختیارات فاشیستی و نامحدوده کل و زنجیر  
 کردن آزادخواهان و مدور احکام فرما بی طبقه  
 سینه پرستان ادامه می دهند؟ چرا بنیادها  
 دیوارهای نظیر مجلس و دادگستری (قوی مظنه و  
 فضا شد) و انجمن های شهروپرستان همچنان زیر  
 کنترل و نظارت همان دیکتاتورهای سیره هاسی  
 است که مملکت را با جنون و جهال و بی خاست های  
 خود به این روز انداخته اند؟ چرا هنوز هزاران  
 زندانی بی گناه - که تنها جرم آنها بیست  
 آزادی و مردم است - در بیخونه ها اسیرند و حکم  
 دژهایان ساواک که توسط دادگاه های نظامی  
 مروی طبقه آنها صادر شده، معتبر مانده است؟  
 چرا ارتش و زاندار می و شهرهای بی دفاع در تمام  
 گنبدت محکوم و سراسر رژیم مدعی استبداد  
 شاه چون دشته قلب ملت را نشانه گرفته بودند،  
 هنوز در شهرها و کوه ها و خیابان ها و مساجد،  
 خون مردم را می ریزند و حرکت های آزادخواهان  
 را مورد بوش و شکنجه قرار می دهند؟ این چرا  
 و صدها چرا دیکتاتورهای این واقعت است که رژیم  
 شاه - ساواک که با دربارها خون می نوشانند از جوع  
 گریه جنین دموکراتیک و کشته میباشند مردم  
 جلگه گیرند، بر آنت تا در حرف هر چه می توانند  
 آزادی را نخرند بزند و ستاید و در کردار و اندیشه  
 کند. در حرف حق را به مردم بدهد و در عمل را  
 زیر پاشنه های گولگند در حرف به ظاهر ها و  
 زبانت و تبه کاری های گذشته اعتراف کند و در  
 صل با همان ابزارهای قدیمی همان شیوه ها و  
 فکال و متناهی و سیره های سابق حکومتی، ادامه  
 دهد، و با دربارها بی طبقه شکنجی های گویک - و به  
 خیال خود ناگفتنی - که دیگر چاره ناپذیر و  
 ناگزیر است، بگویند مواضع اصلی و کلیدی قدرت  
 جهانی خود را حفظ کند.

آزادی گروهی از زندانیان سیاسی به مقابله  
 فتح مردم در بیکار با حکومت استبداد فاشی  
 شاه، گریه موجی از نادی و صف برانگیخت،  
 اما خار ه های فری در شایق و دلبری زندانیان  
 شهبندی چون پرویز حکمت جو، آیت الله زاری  
 جزئی و قربانی و هوشنگ تنزایی و دهها مبارک  
 مذهبی، چریک فدایی، رزمنده ملی و مارکسیست  
 را که در شکنجه گاه ها و در جریان سینه های  
 ساواک و شاه به خون شهیدند و مخفیانه به کشور  
 سیرده شدند، در ذهن ما زنده کرد. این آزادی  
 هابه ما یادآور شد که رهبری دگر فرزندان ملتخور  
 خلق نیز در گرو مبارزات مردم است. هنوز ملی  
 خاوری نیز که مملکت مرکزی حزب توده ایران، طرف  
 رزمیده و سایر محمدرضا و نیز آیت الله فاضلی  
 آیت الله منتظری، مزاران شجاع و شریف دیگر  
 نظامی و غیره وجود دارند، مردم میهن ما آزاد  
 لفظ مجسمه آن از عدالت، تنها خار ه و وسیله  
 آن را خواهند داشت. همان طور که آزادی مظلوم  
 و لیکر ساواک، با همه بی تضمینی و محدودیت  
 آن، این روزها به عنوان یک مولفیت ملی مورد  
 توجه است، جز در متن آزادی های ضمیم شده ملی  
 زنده جانیه، بی مظلوم و بی دورت است، آزادی  
 زندانیان سیاسی نیز جز با آزادی ابزارها و  
 دستگاه های فد آزادی فد مردم، نمی تواند  
 آزادی واقعی باشد. در کنار زندانیان و شکنجه  
 گاه ها و در زیر سایه جلاچگونه می توان برای  
 آزادی جشن گرفت؟

ایران به حق و کامل، مستقل و آگاهانه است و این  
 عظیم ترین و انقلابی ترین نیروی اجتماعی در  
 صوم شهیدمکنی تام دارد.

**کارگران آگاه، در کارخانه ها هسته  
 های مخفی حزبی ایجاد کنند و با حزب  
 توده ایران تماس بگیرند!**

سیگار - راه آهن - ۲۰

## مقابل دموکرات مذهبی و فاشیست

مقابل دموکرات مذهبی و فاشیست  
 دانشگاهی و فاشیست گاهی هر چه بیشتر واضح  
 سازمان خود را محکم بنا نهاده و دامنه فعالیت  
 علمی و اشکار خود را در مبارزه طبقه پایه های  
 رژیم ترور و اختناق گسترش دهند. لیکن  
 بسنده کردن به این مولفیت نسبی و ناپایده  
 گردن این واقعت که تا همین امروز ترور و  
 پلیسی رژیم بر کارگران به همان قوت سابق باقی  
 است و کارگران ایران از راه ترسین حق خود یعنی  
 حق فعالیت آزادانه سیران و اتحادیه ای محروم  
 نگاه داشته شده اند به معنی عدم توجه به همه  
 ترین شرط پیروزی مبارزات ضد دیکتاتوری و بسی  
 اعصابی به فرود رفتن کل جنبش به طور کلی است.  
 نقطه اساسی هدف جنبش در مرحله کنونی و پایه  
 قدرت رژیم به ویژه در همین مرحله استبداد  
 ترور پلیسی دربار کارگران و محروم نگاه  
 داشتن آن از حق فعالیت آزادانه سیاسی و  
 اتحادیه ای است. در حالی که صدها هزار کارگر  
 اعتصابی است که در مطالبات سیاسی خود پیوسته  
 ماه اخیر، به جنبش - رنجورانه و استقلال  
 طلبانه مردم، با توجه ژرفی تا زاری بخفته اند  
 رژیم همچنان با ساحت جنبش به سرکوب جنبش  
 مستقل کارگران و جلوگیری از شکل آزادانه  
 کارگران در سندیکا ها و اتحادیه های واقعی آنها  
 دارد. باید با مردم شکنج این ترور و تا همین  
 آزادی فعالیت سندیکایی و اتحادیه ای کارگران،  
 ضد پایه ای جنبش را اجرا و نمود قدرت دشمن را  
 درهم شکست. اما کارگران بی دانشند که کس  
 آزادی فعالیت سندیکایی و اتحادیه ای را به آنان  
 هدیه نخواهد کرد. کارگران بی دانشند که مبارزه  
 برای تامین خودت های مصلی و طبقاتی خود تنها  
 هستند و باید تنها به نیروی خود تکیه کنند. این  
 خود کارگران هستند که باید برای مبارزه روزانه خود  
 از راه ایجاد سندیکا ها و اتحادیه های آزاد، دور  
 ساختن ما موران ساواک و گانگن نظامی رژیم  
 از کارخانه ها، بی طبقه مبارزه برای بهبود شرایط  
 کار و زندگی همه افکار کارگران، فعالیت آزاد  
 سندیکایی و اتحادیه ای خود را از راه فعالیت مستقل  
 در آورند و ارتش فاشیستی طبقه خود را به  
 صورت نیروی مضطرب مجزئی متفکک سازند.  
 حرکت وسیع کارگران در مبارزات سندیکایی  
 دیکتاتوری و فاشیستی است از جمله از میرومیر  
 مبارزات سندیکایی و اتحادیه ای می گذرد. پایه  
 این مبارزات از سنگلاخ رژیم ترور پلیسی است  
 استبداد دیکتاتوری پاک کرده چاه فعالیت آزاد  
 سندیکایی و اتحادیه ای را به طور افروغ ساخته  
 خروغانی که از این روز به پیشرو مبارزات  
 دموکراتیک و آزادی خود را در اختیار مملکت  
 رژیم را منتقلی کند و نیت آزادی و استقلال و  
 پیشرفت اجتماعی را در اختیار طبقه افشار  
 طبقه در مبارزه، منجمد خود کارگران فاسرار  
 دهد. کارگران خود به اهمیت این مسئله واقفند  
 هر روز نیروی پر خون - سرگشته رژیم را به  
 همدان نیز طبقه سلطنت فاشیستی و استبداد شاه  
 می فرستند. دوزخ ای جنبش ملایم دموکراتیک

## نقش طبقه کارگر...

کارگران (قبل از آغاز این مبارزات در اوایل  
 سال گذشته) صورت گرفته با دورت و نیم  
 در آن شکام که سلطنت رژیم ترور و اختناق  
 را واگهی فضای سیاسی ایران را پویا کرده و  
 روزنه ای از هیچ گونه روشنی و آزادی باسی  
 نگذاشته بود. کارگران نیز اولین کسانی  
 بودند که با ظواهرات علمی خود، فرورفتگی  
 آزادی برای خود دیگران را مطرح ساختند. مجید  
 چهری سنگری اعتصاب اردگانان شرکت واحد  
 آتومبرانی شیراز در تیرماه ۱۳۴۲، بگناه بی از  
 این اعتصاب برخوردی، تا جوان سردانه از پاره آورده  
 شد و در بیمارستان برای مصومیت در گذشت. لیکن  
 نه ای او به زودی همه گیر شد و کارگران ایران  
 مبارزات اعتصابی پیوسته و دامنه داری و آغاز  
 شدند. نقطه های اوج این مبارزات در راه سیاسی  
 خونین کارگران جهان است در گرج و در اعتصاب  
 رژیم کارگران شاهی در تیرماه ۱۳۴۲، که به  
 بیکار خویشی سینه کارگران و نیروهای اختفای  
 رزمنده مذهبی آنها منجر به شهادت دهها کارگر  
 اردگان مرکزی حزب توده ایران، اعتصابات  
 ساختمان ۱۳۴۲ در مرحله جدیدی از تکوین اختلا  
 جنبش اعتصابی کارگران ایران آریبایی نمود.  
 صحت آریبایی حزب ما از جنبش اعتصابی کارگران  
 در سال ۱۳۴۵ شایسته، طی سال ۱۳۴۵ در سراسر  
 کشور دهها اعتصاب بهم بریزا کردید. تنها در شیر  
 شاه آن سال ما تنها اعتصاب همزمان کارگران نهندین  
 کارخانه بزرگ در تهران بودیم، که اعتصاب  
 کارگران کارخانه چیت یازی تهران منظر خونونه  
 آن بود. کارگران کارخانه چیت یازی تهران با  
 اعتصاب با شکوه و رژیم آکین و چند روزه خود موقوف  
 دیوانه در برابر نیروی مملکتی مسلح، نه تنها  
 افکار عمومی را متوجه امکان مبارزه و صایات از خود  
 نمودند، بلکه با پیروزی در اعتصاب به باز کردن  
 روزنه ای در فضای تیره سیاسی دیکتاتوری نایل  
 شدند. اعتصابات کارگری بی در پی از سال ۱۳۴۲ تا  
 ۱۳۴۵ در تحول فضای سیاسی کشور مؤثر بود. طبقه  
 کارگران در مبارزات ضد دیکتاتوری و انقلابی  
 کنونی نقش بیگانه داشته و این فعالیت را  
 اقدامات متخفی این طبقه در آستانه مبارزات  
 اخیر مردم به خوبی نشان می دهد.  
 اکنون مبارزات ضد دیکتاتوری رژیم  
 امپریالیستی برپا به نا غرضی معین هم می همه  
 طبقاتی زمینگش و افشار ملی جامعه تا بدان حد اوج  
 گرفته که سازمان های مصلی و وضعی سیاسی مربوط  
 به افشار ملی و فاشیست از آزاده خواه از امکان  
 فعالیت علمی تا خودی برخوردار شده و محدودیت  
 خود را بر رژیم فاشیستی و دیکتاتوری خصم مسل  
 کرده اند. البته این مولفیت همی در مبارزه  
 طبقه سلطنت سینه شاه به شمار می رود و چا  
 ما رنگه سازمان های اجتماعی و سیاسی افشار ملی،

# پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد» لنین

# هفتنامه نویس

(وابسته به حزب سوده ایران)

سال سوم - شماره ۵۵ - شماره ۱۳ آبان ۱۳۵۷

## بررسی چند مسأله درون جنبش

در حالی که انقلاب چون خفاص غشگینی که بر اقیانوس می تازد، دم به دم عروشان ترو بسی که با خورجانی بی باقی به برکت نبرد میبوی خنده ها می خورند و دزها رژیم استبداد سلطنتی، یکی پس از دیگری فرو ریخته، ما شاهد بروز پاره های مسائل و رده پاره ای گرایش های زبان بگشش، در درون جنبشی که به نظر می رسد با همه وسعت و چابکی، هنوز در آغاز مرحله اوج گیری است، هستیم.

جنبش سراسری میهن ما، علی رغم گستردگی بی سابقه و نیروی سرشار و متنوعی که از آگاهی توده آب می خوردی در هر گام تبدیل به نیروی مادی می شود که مبارزه را توأم می بخشد، فاقد یک استخوان بندی سراسری، متناسب با چشمه خورشید است. سازمان سیاسی همان استخوان بندی بگرج جنبش است. مارکسیسم سازمان سیاسی طبقه را نه تنها به خاطر تشکیلی که در آن تنظیم می یابد و با تبدیل کمیت به کیفیت، آن را ارتقا می دهد، بلکه به خاطر طاقیت و تحرکی که در ارتباط با نیروهای سازنده و عظیم تاریخ یعنی توده ها و به ویژه توده های کارگر بر سر می انگیزد، حاضر اعجاز می نماید. لنین کس که سازمان سیاسی را «واحد کل متراکم» می خواند، بر آنست که طبقه اتحاد منسوی خود را به وسیله وحدت مادی سازمان تکمیل می بخشد و بدینسان به نیروی طبقه نا پذیر می تبدیل می گردد. لنین روی این نقطه نظر پای می فشارد که طبقه در مبارزه برای به دست گرفتن قدرت حاکم، صلاح دیگری جز سازمان ندارد. یعنی دیگر به نام لنین اینست که طبقه بدون سازمان سیاسی خود، ارتش غلغ ملاحده ای است. نیروی است با طاقه، اما پراکنده و تجزیه شده.

جنبش انقلابی در شرایط نظیر میهن ما بدون کارگران و بدون تکیه گاه سازمان سیاسی آنها، وسیله طمحنی ندارد. و کارگران بدون تشکیلات سیاسی که جسم مادی جهان بینی آنها باشد، یک منبع انرژی عظیم، اما راکد مانده اند. «کارگر با مادام که که منفرد و مجزاست هیچ است... و تمام نیرو و استعداد خود را برای ترقی و پیشرفت و نیز هم آرزو و امیدوار خود را از سازمان و فعالیت مشترک و منظم رها می کند. این وقت خود را عظیم و نیرو مند می کند که گفتمی از یک پیکر عظیم و نیرو مند را تشکیل می دهد. این پیکر برای وی در حکم همه چیز است، ولی فرد میزبان و منفرد نیست به آن بسیر کوچک است.» (لنین - یک گام به پیش، دو گام به پس).

این یک گام که هم آموخته است، قانونی است که تجربه تاریخ با هر جامعه آن را به اثبات رسانده و منطبق آن را بر آورده کرده است. اما این برداشت از این قانون مندی عام در جامعه ما، بر مبنای پاره ای سو تفاهم ها شده است. عناصری از نیروهای که خود را منتسب به «چپ» می نامند و حتی برخی چپ های واقعی که در اصول حقانیت دارند - بر تازند. این یک گام که مارکسیستی و طبقی اعلام کرده اند: «جنبش دموکراتیک و ملی در شرایطی که فاقد سازمان سیاسی و طبقی است، سرنوشت از یک اختناق دیگر ختم خواهد شد.»

این بدبینی سیاسی که تنها بر پایه تئوری است و واقعیت استوار است، بیش از آن حد که بخیر هیوان سیاسی از جنبش طلب مانده اند، از عافیت روز به دور افتاده است. طرح این تئوری عام و گسترش برای تطبیق آن با شرایط خاص جامعه ما در این دقایق سرنوشت ساز، اگر ناشی از بد بینیتی و سوء نظر نباشد، هیچ تک شرف یک برداشت مکتبکی و جامد است. چرا که هیچ مدعی جنبش نمی رسد، هیچ پاری از دوش آن بر نمی دارد، هیچ رهنمودی در برابر آن نمی گذارد، فقط به تشبیه کردن و انسوس خوردن در آستانه حادثه طبقی که این گونه دلسوزی های مسموم کننده را در فریب و فریب ساز امید الهام خود می کشد یا بوزخند استخوان قدم های آهنگین و پر پرزم از کنار آن می گذارد، بنشیند می کند.

این خطایست اگر بپنداریم که جنبش ملی و سوده استبداد می در میهن ما فاقد سازمان های سیاسی و مرکزیت رهبری است. از این خطا تر اینست که بگوئیم کارگران ایران از حزب طبقی خود محروم مانده اند. یک چنین بهانه ای در صورت راستی گوییده آن - خوبیا سازمان های موجود سیاسی و طبقی جنبش آنها حزب طبقه کارگر ایران را نگار می کند، در حالی که واقعیت خلاف این امر است. واقعیت این است که سازمان های سیاسی، به ویژه حزب طبقه کارگر ایران موجود دارد، اما این سازمانها ظرفیت فرا گرفتن

جنبشی را با این همه وسعت و جوش و استعداد فوق العاده برای رشد و تکوینندگی ندارد. زلزله های زهرور و کتنده، انقلاب که پس از یک دوران نسبتاً طولانی استبداد دنیسه با خشتی و کسوف اجتماع می به وقوع پیوست، چنان برق آسا و بردمانه بود که اکثر سازمان های سیاسی فریب خورده از دیکتاتور را غافلگیر کرد. انقلاب چون برقی و باد از مقصد دور است سازمان های سیاسی موجود را ترس و با شکست هر تدبیلی و اختناق - سد های که طی آنها ایجادید، شروع نظار ملی و آزاده و اشتیاق آزاد خواهانه را محسوس نگه داشته بود. شور و امید و جرات فرا بنده ای در توده ها برانگیخت که خود محرک جدیدی برای شتاب بازم به پیشتر جنبش شد.

اما مسأله اینست که برای سازمان سیاسی طبقه آنچه بیش از گسترش و کمیت حاضر اهمیت است، استحکام تشکیلاتی و جوهر و محتوای انقلابی است. نامه تیز و تکرش علمی و تحلیلی حزب به آن مجال می دهد تا به پیش شهادت گام بردارد و با طرح دقیق ترین و عینی ترین مشاغل و ملموس ترین شیوه های مبارزه، جنبش را در مستقیم ترین مسیر و مسأله کمترین گمراهی و ضایعه به پیش براند، صدما آن را تصحیح کند و در پیش پایش چراغ نگه دارد. چنین اعتقادی است که سرچشمه این گفتار رنخ لنین میگوید: «در لحظات بحرانی زندگی ملت ها به کرات اشتیاق افتاده که حتی گروه های کوچک مترقی طبقه را به دنبال خود کشند و توده ها را با شور و شوق انقلاب برانگیزند و به پیروزی های عظیم تاریخی نیز تایل آمده اند.»

لنین برای پیمانگ بودن در امر انقلاب، برای ایفای نقش تاریخی حزب طبقه، نه گسترش حجم آن، بل استعداد انقلابی آن را حکم تفاوت قرار می دهد. گرچه او از این رنخ توده که غافل نیست و اهمیت حیاتی آن را در پیشبرد منظور انقلاب حتی یک قدم از نظر دور نمی دارد. لنین میگوید: «طبقه کارگر تنها نیروی عمل انقلاب است و این حزب است که باید هدف انقلاب را تعیین کند، یعنی توده ها را رهبری نماید، نه این که صرفاً در ایستاد حوادث بگردد.»

اما چه حزبی قادر به رهبری توده هاست اقدام پیمانگ سیاسی قادر است توده های میلیونی را که انقلاب آنها را به قلب گرد با دهنده می کشد و از سر مستی و سودا های زرمی سرشار می یازد، به پاری خود انقلاب بفرستد و با دست آنها انقلاب را مرحله به مرحله بفرستد آن ارتقا دهد؟

این اشتباه فاحشی است اگر در نظر آوریم که تنها با ایجاد کردن خود روشم و صفا نمودن و سوسن دادن آنها به سوی میدان نبردی که در آن دشمن سازمان یافته و به خوبی تجهیز شده و تعلیم دیده انتظار می کشد، و طبقه رهبری را به درستی انجام داده ایم (همان کاری که پاره ای گردان های مبارز در میهن ما می کنند) جنبش طبقه ای تنها جزئی از رسالت پیمانگ است. جزئی که اگر با اجزا لازم دیگر تکمیل نشود جنبش را به استقبال حوادث و نظراتی می برد که هنوز آگاهی و رهبری با آنها رانند.

رابطه پیمانگ انقلاب با توده ها، در سبب بزرگی از دیکتاتور متراکم مارکسیستی است. لنین تاکید

## باغشاه،

### سکنجگاه جدید رژیم

خبرهای رسیده حاکی است که تکنجگاههای رژیم از کمیت و اوین به باغشاه منتقل شده و درین زمین دژ خیمان ساواک بر این تکنجگاه جدید گماشته شده اند. در شرایطی که همسوی آزاد سازی فضای سیاسی کشور گشا را کرده و آزادی عده ای از زندانیان سیاسی و افتخار پیش از پیش تکنجگاه های غیر انسانی و موحشی که در گذشته ها و پیشگفته ها طی تمامی سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب ترین و آزاده ترین فرزندان خلق را می شد، موجدی ارتش را بسته به حیرت در دل ها برانگیخته است، ساواک رسماً اعلام کرده است که بر چه بندها بطاقت نامه برای این سازمان مقدور نیست. یک مقام عالی رتبه ساواک در مصاحبه با خبرنگار کیهان در نهایت بی شرمی اعتراض کرد: «در مواردی که هنوز خوشبخت در ساواک وجود دارد، با بدبگویم این خوشبختان ظاری است... و در جای دیگر این وقاحت را به اصلا درجه خود رسانده و گفت:

«اگر اقدام به خون کشی کنیم، در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده ایم.» کیهان و دوستیها

آری ساواک بدون تکنجگاه مفهومی ندارد. وظیفه این سازمان چینی که دست پرورده سیا و سازمان جاسوسی اسرائیل است، از بدو بدو پیش تا به امروز فقط و فقط رعب و وحشت و جنایت و آدم زده ای جاسوسی بوده است. وقتی یک مقام عالی رتبه ساواک به خدایان اجازه را می دهد که رسماً داده تکنجگاه را با همان شیوه های رذیلتناک قرون وسطایی علیه آزادخواهان تاشد کند، از به راه افتادن دسته ها و اوباشان چاق بدست دولتی در کوچه ها و خیابانهای شرفهای مختلف، همسوی به اجتماعت و نظارات ملی و آزادخواهان نامه مردم، آتش زدن منازل ها و تاسیسات و قتل و قمارت مردم به صورتی که این روزها به صورت مادی ترین حوادث روز در آمده است، چه جای گفتنی است؟ ترویس دولتی تا زمانی که شاه و پنهاندا های اصلی رژیم نظیر دربار، ساواک و دادگاه های نظامی و ارتش تحت فرمانی سی هزار مستشار نظامی آمریکا و میانسفرهای بی برجا است، ادامه خواهد داشت، گیمو شکنجگاه آراوسین و کمیت به باغشاه منتقل شود. این منطبق وجودی رژیم های است که بر سر نیزه و خونریزی و رعب و وحشت متکی هستند.

می کند: «تکسیرنا پذیرترین پیمانگ و نیز مبارز ترین طبقه، جز قشرهای از اقیانوس خلق نیست. آنگاه که اقیانوس آرام است، پیمانگ تا توان عظیم می ماند. اما پیمانگ در عین حال طبعی و رام جنبش نیست، او همان سرگورگه از منبج سی می آموزد، به جنبش می آموزد. جز این پیمانگ به یک دنیا له روکنگ لنگان گام بر نمی یازد، تبدیل می شود. پیمانگ در حالی که از توده ها نیرو می گیرد، نمی تواند طبع آنها باشد.»

## درو به کارگران رزمنده صنایع نفت

خود را استحکام می بخشد، مبارزات خود را گسترش می دهد، اعضا تا وسیع و گسترده اقتصادی و مملکتی خود را در سراسر کشور بسط می دهد و تمام وجود و توانایی خود را وقف پیروزی و اعتلا و ارتقا می فرماید. در صورت در ناچار چند هفته مبارزات مظلمانی و اقتصادی خود را تا سطح اعصاب سیاسی با خواست های دموکراتیک و ملی فرمای و بیاورد. اکنون می رود تا در پیمانگ جنبش عمومی و انقلابی خلق، با ایفای نقش پیمانگ خود، به این جنبش پاری رساند. اما به ارتقا و انقلاب دموکراتیک و ملی را تا این بهترین مراحل آن تضمین کند.

کارگران پیکارجوی صنایع نفت با تانک به دست های درخشان مبارزاتی خود، با رد یک گستر در پیمانگ جنبش انقلابی کارگران ایران به مرصه نبرد با گذاخته اند. ما به این کارگران رزمنده و پیمانگ درودی و فرسود و از همه کارگران ایران دعوت می کنیم که به پشتیبانی فعال از مبارزات رفقای کارگر خود در صنایع نفت بفرزیند و با تشکیل رزمنده خود در برابر کشور در زیر پرچم جنبش توده ایران برای تحقق شعارهای دموکراتیک و ملی خود در مرحله گشوی جنبش انقلابی میهن، تلاش خود را با همکام سازند.

پیکار با تانک کارگران ایران که در ما های اخیر اوج می یافته و امید بخشی یافته است بسیار معتاد بر روی و پرورش پیمانگی است. پیمانگ نفت که با سازماندهی، استحکام و اتحاد و درونی و همبستگی رفیقانه تکمیل انگیزی از همه گذشته آغاز شده است، به مرحله نوبتی از جوش و غروش انقلابی و رومی خود، نبرد دلار را نشسته و کارگران صنعت نفت که با بهره مندی سیاسی و انقلابی پشت رژیم توده ها میان فداختیست و امپریالیستی ش را به لرزه انداخته است، به مثابه مطهر پیکارجویی پروولتا برای ایران، سیاسی و رزمنده طبقه کارگر ایران را با خط و طرح خود ترسیم می کند. مادی بر طبقین و رعد آسای آنها در صدای کارگران با همسایگی ملی، منابع پتروشیمی، بندرگاها، صنایع گاز، ذوب آهن آهن آهن و... در صدای کش میلیون کارگر ایران انگاس می یابد. پروولتا برای ایران با گامهای فرستکی به پیش می تازد، بر پراکتندی ناشی از ناله های سیه اختناق تشدید می یابد، حاکم بر او حدهای گسار قلبی می کشد، طرف خود را متشکل می سازد، سندیگاها و اتحادیه ها را از وجود مناسر خود بیرون رنخته و عوامل رژیم پاک می کند، میبندد رهبری طبقی

## با گسترش اعتصابات و نظارات سیاسی، بر توان جنبش انقلابی بیافزائیم

به مناسبت شصت و یکمین سالگرد

انقلاب اکتبر، بزرگترین حادثه تاریخ انسان

انقلاب کمپروسولایستی اکتبر که تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و پیروای داهی آن...

انقلاب اکتبر آنگاه نیروی مادی و معنوی عظیمی را از بطن تاریخ محاصر بیرون کشید و وارد عرصه مبارزه ساخت...

انقلاب اکتبر به سوسیالیسم علمی مارکسی و انگلیسی، که تا آن روز تنها یک آموزش انقلابی بود...

از تظاهرات کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصت و یکمین سالگرد انقلاب کمپروسولایستی اکتبر

بررسی چند مسأله در جنبش

لنین می گوید: "توده ها نیز گاهی در مقابل شعور و تفکر فرود می آید و در نتیجه به هیچ وجه مترقی نیست..."

سیاسی از فعالیت گسترده و عظیم توده ها عقب مانده اند. اما این عقب ماندگی - لااقل در مورد حزب طبقه - یک عقب ماندگی سازمانی و تشکیلاتی است...

این طایفه نیز پاسخ هم به سازمان های سیاسی می گویند جنبش های طایفه فئودال ما زمان های سیاسی، چندان امید ندارد...

اطلاعات نهم بنده حکومت در عرصه مناسبات ارضی به هجوم سریع ویرانگر و فساد روستاها منجر شد. این هجوم کارخانه ها و کارگاه ها را با هم می آمیخت...

در مورد گروه نیست - که با پیش کشیدن فلسفه اختناق با ناکزیر برکت نام پذیر حرکت جامعه ما را...

در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد، بهترین فضا و روح روزیم - علاوه بر حزب توده ایران - متوجه کارخانه و عرصه های کارگری بود...

در این شرایط، ما نیز در برابر آن نطفی می گوییم که در زیر پای ما مانده و در پی پیوستن به امپریالیسم آمده اند...

حزب طبقه، با غیور دوباره جنبش دموکراتیک شروع به احیا کرد. اما انقلاب روستا را آنچه بسیار می ماند، استوری پیوسته بود لنینی، ساز هم مثل همیشه عمل از تئوری جدا کرده ما این حال حزب طبقه کارگران ایران رویداد

برق آسا، غافلگیر نشد. همان طور که در اعلامیه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران (مهر ماه ۱۳۵۷) تصریح شده است:

"کمیته مرکزی حزب توده ایران هنوز در زمانی که این رژیم به سطره همه جا نپاشیده خودی نازید، برپا به تحلیل علمی وضع جامعه، پیش بینی کرد که بحران اقتصادی و سیاسی این رژیم عمیق تر سابق خواهد بود و در نتیجه حیات باقی نماند...

حزب طبقه حتی در واقع اخیر که چون گدازد جامعه ما را در نوردید، به تازگی پیش رویداد گام برداشت و هتاهارا، فرورفت و وسایلهای هر لحظه میارزه توفانی مردم را در شمارهای خود منگس کرد...

از تظاهرات کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصت و یکمین سالگرد انقلاب کمپروسولایستی اکتبر

علاقه و ایمان به جنبش و تبدیل دل به خاطر سرنوشتان، ظواهر طبیعی و تلاش، انگار واقعت سازمان های سیاسی که رفته رفته از نظر تکنیکالی به هیچ وجه با رشد تحول آمی جنبش متناهی نمی باشد...

... و اما درباره آن قشرهای انحصار طلبی که می خواهند تنها و تنها شما را و تنها بلیت ملی خود را بر جنبش تحمیل کنند...

در مجموعه طبقاتی های بزرگ اجتماعی و جزو و مدهای انقلابی، هرگونه تحول از طریق آگاهی طبقاتی، اراده و اشتیاق توده های میلیونی که زیر رهبری بحرانی ترین مبارزه طبقاتی می شود...

"برپروموندترین پنهانهاگ آنا سندک که آگاهی طبقاتی و اراده و اشتیاق توده های میلیونی را بیان می کند..."

سرنوشتی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست مردم جنبش انقلابی مردم ایران است

# فصلنامه نویسند

سال سوم - شماره ۵۶ - شنبه ۲۰ آبان ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

## با کودتا در کودتای شاه چگونه مقابله کنیم؟

افسار گسیخته ای که به دست صاعدا واک انجام شد. ساواک در پورش بربرمنشانه خودبه خانه ها و مفازه ها و تومیلها و اوپرا نسا و وسیع، علاوه بر این فکده مبارزه، اصولی و انقلابی مردم را از مسیر قاطع آن که با شناخت کامل اطلی ترین و فوری ترین هدف ها، بر قدرت و تصرف بنا پذیرفته، به میرا همه بگشود و بنا بر قضا و گروه های به حیجان آمده و کم تجربه ترزا به جای انقلاب در پیجولم های آنا رشیتم و ما چرا جویی و قورش فرق کند، منظور چندجا نبه ای را تعقیب می کرد:

۱- نظا هرات وراه هیما می های نظیم در سراسر کشور که با نظم و آرا من شوک هندی برپا شد و اعتصابات گسترده که سراسر مملکت را در نوردید، پیام انقلاب ایران را با ترین و نافذ ترین صدها گوش عقب مانده ترین افشار و افشاران مردم و نیز جهان کنان و رژیم شاه - ساواک برای مخدوش کردن و گدازاختن سیمای جنبش مردم با دریکتر متوسل به همان شیوه و رنگینه سیج چقا ق داران دولتی و اوباشان و قداره و کتان شد و آنگونه های هارابه مقابله با جنبش برپا شد. در اطلی بر سر ها، در کرمان کولی ها، در همدان جا نونگان و لسیه ها و زاده های اجناسی گرداگرد ما سوران دولتی که لباس میدل در بر داشتند، مساجد و اماکن عمومی را آتش زدند و برپا کردند و اجتماعات مسالمت آمیز مردم راه هاگ و مسون گشیدند. تجربه این تخریب دولتی در مساجد وسیع ترده تهران پیاده شد. هدف اساسی این تهاجم رسوا، لووت کردن جنبش ملیونی مردم و پویشاندن مبارزات حقه و مؤثر شده ها که کتاسی جلوه های آن هاگی از بلوغ سیاسی و ادراک مبارزه جهانیه آن ها بود، در پرده های فلیط دودو غبار بلبوا و اغتشاش ونوعی عیاضا فکری سبهوت وسیع است.

۲- وسعت و ریزش جنبش و ملمش شدن سریع قضا و گروه های جدید اجناسی به آن براسیست آرمایان آزادیخواهان و وفادار میرا لیست آن ارتجاع سلطنتی و شرکا و حامیان امیرالیست آن و سخت و سخت زده کرده است. ویرانگری گسترده و تهاجم و تخریب اخیر تهران با توجه به اوج گیری فزاینده انقلاب، به منظور ترساندن عناصر کرم آگاه، افشار مردم و دوزخا وازی ویا سی طرف کردن گروه های محافظه کاری است که در پشت تندرها ی انقلاب و زمینه مساعدا نواع فسادهای رژیم، را در یکسالو فعلی شده و محدود جنبش می شوند. در ضمن برای توجه و مغز توی ارضان که جذبها و اروپا های شریف جنبش بر دل آنها نشسته و میباید کرد این آخرین تکبگه، رژیم برای ورود روری و مقابله با قیام کنندگان محنه های یگشینه گذشته در خیابان های تهران، زمینه تسلیماتی مساعدا به نظر می رسد.

۳- برای درین آخرین پرده ها و تهبیه دستاویزی جهت زبرپا گذشتن کلیه وعده ها و ادعا های سی ما به ای که طی ماه های اخیر همزمان با توفانی شدن بحره میهن - در زمینه بازگشت حکومت قانون و آزادی های فردی و اجتماعی به خورد مردم می دادند و نیز برای آن که محملی برای خاموش کردن دوباره روزنه ها و وسایل ریشا ط حسی که تا اندازه ای - فقط تا اندازه ای - در مقابله با گذشته - ساطروسا نیکوکار کرده بودند، درست باشد، احتیاج به یک سبهانه و ظاهری سی عسوام پسند بودند صورتا کهانی دولت نظامی و جنگ و دندان نشان دادن های آن - حتی به صورت ظاهر - به اطلاع قابل دفاع باشد. این محمل تراشی و سبهانه جویی با توطئه یگشینه سبهانه اخیر، جامعه عمل پیوسته.



اما کودتا در کودتای شاه که کاری از پیش نخواستند. با سر نیزه و کتار ریشا توان نزدیک به دو سینه جا میلبا در تومنان کسری سبهانه است - بونا که در طول تمامی تاریخ ایران به سی ما بوده است - بونا که جنبش توان بهر آن عمیق و همه جانبه سیاسی و امنی است و اجتماعی و آموزشی کشور را که از جنبشها و گروه ها جامعه و رژیم بر حاسته و بر اثر خرامات آن کشور در حال اشغال و تهاجم است، علاج کرد، جنبش توان کارگران و زحمتکشان و روشنفکران را از دستگیرهای اعتبار به سرکارها پشان بازگرداند، نمی توان مدارسی و دانشگاه ها را آرام و آرام کرد، گرم گسه دولت سر نیزه زرنال ازاری های ضایعنا همه متضاد و گریبوسبت تعدادی از صهره ها و لسیتمک های رژیم را - که همه آنها جز پادگان ناچیز عرجه طرح شاه نبودند - جا جنبش شمهده بازی های خودکودکها روخوانده های جدیدی از خون و رنج و مصیبت در وطنها به راه اندازد. تخریب و آتش سوزی وسیع در تهران دنبال بر صدها

شاه آخرین شیر ترکش را راه کرد. کودتا در کودتا اودر عین حال که اعتراف صریحی به شکست همه ادعا های ظفرین آمیز و عیبه شب بازی در بسیاری "گشایش فضای سیاسی کشور" است اعلان جنگ مستقیم به مردم است به مردمی که با راه هیما می ها و نظا هرات ملیونی در سراسر کشور به عزلا و رای دادند و در زبرپاران گلوله و در حیان سیلاب های خون، در کارخانه و دانشگاه، در بازارها و مساجد ادارات، در مدارس و رفوچه خانه ها، عزم خود را به ادامه مبارزه تارینگی بنا نهادند تا محو کامل بجا ط فذلفلی سلطنت تا کبگرددند و با اعتصابات سراسری صفتی و سیاسی توانایی انقلابی و آمادگی رزمی خود را برای فلج کردن کتاسی دولتی به ظهور رسانند. شاه با روی کار آوردن یک دولت نظامی از عروق های انظورم پیشرویش کلکسیون خفتی خود، با آثاره و لامه در مستقیم امیرالیست آمریکا، جواب جنبش را که در مقیاسی تمام ملیت پان در دوران اختیاریه ای بر سر و سر بردگی تقویر آمیز به امیرالیست امیرالیست ملیونیای خود فریاد می کشید، با دهن گشای لوجا نه ای داد. ملت با دهها سلیبون دهان گفت: "تو سرچشمه و مظهر تمام ضایع ها، در تگه های بسی حرمش ها، گنجینه ها، تاراج ثروت های ملی، فساد سیاسی و اقتصاد و فرهنگی، به هدر رفتن طلا بی ترین سالهای تاریخ ممالک پیشگوری، توبیت دروغ و عیبه خون و طاعونی، تا توانایی نه حرفی از استقلال میهن می توانده طرحی اند و نه گترین امیدیه به بازگشت آزادی و شوک های ملی، ما تراشی خواهیم، تو دشمن مایی. ساطراسی خواهیم، بتولگه مسال کننده تا داب ترین فضا قی ای ما، قاتل سی رحم شریف ترین و آزادبخواه ترین فرزندان مایی. شاه با این دعواتا ملی با دولت زرنال ها و میر فظی های خود پاشی گفت. او گفت: من خواهم ما نه چه شما بخواهید، چه نخواهید.

در این پاسخ ضایعانه، آموزشی وجود دارد که اگر چه از نظر تاریخی تازه نیست و تگوازیات، اما از لحاظ سیاسی، در این لحظه از مبارزات اوج گیرنده انقلابی مردم میهن ما، حاشا اهمیت و توسعه بسیار است. شاه در روشی که برای تحمیل رژیم خود انتخاب می کند، روشی را که با بدبنا توییل به آن این رژیم فذلفلی و دندوگر تارک سیرگون شو به مبارزان نشان می دهد. اوباشان فکلیت و سرنیزه، ما هیت خود را اعتبار آن دموکراسی صدقه مانند را که وا ضومدی کرده ابتکار خود به مردم می دهد و نیز میزان علاقه و احتراش راه قانون که در ماه های اخیر آن همه عواظ میبانه آن دم زد، برای عقب مانده ترین قضا و اجتماعی روش ساخت. او نشان داد که نظروای مردم - حتی اکثریت قاطع نزدیک به اتفاق آنها را - آنجا که با مصالح واقعی و سبباید رژیم اودر تهاجم است، خود را زبرپا می گذارد و چگونه میباید بدون گترین تخایر و تردید علیه آن قیام می کند.

نقشه از پیش طرح شده، روی کار آوردن یک دولت نظامی می - که ما با راه در چند ماه گذشته قریب الوقوع بودن آن را هشدار دادیم - با سبهانه جنبی رسوایی به مرحله اجراء آمد. روز خینه گذشته کسی از طهر گذشته - دانشگاه تهران توسط ایادی دولتی که امنیت عریب دانشگاه ها را تضمین کرده بود به طور غیر منتظره ای گلوله باران شد. به خون شهیدان ده ها دانش آموز و دانشجو در جریان این پورش وحشیانه، موسی از قشم و هیجان برانگیخت به دنبال آن نظا هرات پورخوش دانشمویان فرحالی که با عوفوف توده های مردم گره خورده بود، سبه خیابان ها کشیده شد. از عصر روز شنبه تا ناگاه یگشینه چقا ق دارا زنده رها های ساواکی در متن نظا هرات و نمایشات تراشی و محکوم کننده مردم که در شهرهای سوزان خودها و اربابان امیرالیست اش راجاج فرامی داد، حمله به موسسات و تشردن نقاط مختلف شهر، حتی مطب به راه ای از زندگان، مخازه ها و تومیل های مردم را آغاز کردند و نیروهای پلیسی و محکومست نظامی به صورت ضا تا گروگامه شوق، به این آتش دان من زنده. ساواک در این توطئه، شبه کارانه روی چند عامل حساب می کرد:

۱- ختم و شتر موسی علیه رژیم و پنگاه ها و تاسیسات وابسته به آن و نظام هیرا میبه داری استعمار رگرواوستکی های امیرالیستی - استفاده از این انزوا رطخیا ن شهر برای گشترش خرابکار و آتش سوزی عمدی در پنج شهر؛

۲- سبهانه حمله به بعضی سینه ها و رباتک ها توسط گروه های ایمن نظا رکنندگان، به سبب سبهانه پوشی برای کلیه و بارانگری های عمدی و تا تراشیم

## درس پرده کودتای شاه - آمریکا

کودتای شاه - آمریکا با حضور مصلحانه یک مقام عالی رتبه امریکایی در تهران و حضور مستقیم کاخ سفید و شگفتن انجام شد. به این ترتیب سبب تصادفی نبود که بلافاصله پس از انجام کودتا و روی کار آمدن دولت زرنال ها، وزارت خارجه امریکا با گشتا سی حیرت انگیزی - علی رغم همه اصول و مقررات بین المللی که دخالت هر کشور را در امور داخلی دیگر کشورها منع می کند - بدون هیچ پیرایه ای اعلام کرد که دولت امریکا از دولت جدید نظامی ایران پشتیبانی و حمایت می کند. در طرح جزئیات بنت پرده کودتا چای انگشت دو چهره مشخص سیاسی به چشم می خورد. یکی از این چهره ها هوشنگ نها و دی است که در تمامی مراحل طرامی و دفاعی اجرای آن - حتی نوشتن نظمی که شاه پس از کودتا از بنت رادبو و تلوویزیون خواند - حضور مستقیم داشت، و دومین چهره دکتر علی امینی دلا میسی معروف امریکا بود که ملاقات با شاه و مذاکرات سری ای دو هفته مانع به پرده انجا مید. خودی که در دست است نشان می دهد که هدف اصلی دولت نظامی فراهم آوردن آن چنان شرایط مساعدا است که دکتر امینی بتواند نگاه سینه خود را تشکیل دهد. بنا بر این دولت نظامی از هاری - طلسمه دولت نیمه امریکایی امینی خواهد بود که به خیال خود می خواهد ستنی چند از شخصیت های ملی که در این کابینه جا می زند، سیمای واقعی آن را پویشاند اما حوادث نشان خواهد داد که پیش بینی قبلی سبب در باره سر نوشت محتوم حکومت شاه بر شا لوده حرکت های عینی جامعه و جزو مدهای سیاسی اعتبار تا پذیر اخیر به طور قطع درست است. ما در گذشته با راه تا کبگه گرمیم که حتی آزادی های نیم بند در ظرفیت رژیم شاه که سببای فصدوگر تارک آن نظیر سواک و ارتش وادگاه های نظامی و دربار و غیره است ننگه باقی مانده اند، نیست و سبب طبیعت چنین نظام کرم خورده از دورن و غریبست خود را از سیرون سازگاری نورد. کودتای شاه آخرین نشیبت او برای ابقای سلطنت استبدادهاست. اگر سر نیزه از هاری که با روی امیرالیست آمریکا آن راه حرکت در آورده است کاری از پیش نبرد - که نمی بود - شاه جز با لهدان تاریخ که منتظر سرنوشت سریع او و سلطنت تیرون و ساطی است، هیچ میباید نمی نارد.

## تظاهرات خونین شهرها با صدها شهید و مجروح

دولت نظامی با جانبا یات و خونریزی های سبب می کودتای شاه ای لرزان رژیم گشینه شاه را محکم کند. هنوز چند روزی از تشکیل دولت زرنالها نگذشته که جوی های خون در کوچه و خیابان شهرها مختلف به راه افتاده، اما سانسور شدیدی به سر رادبو و تلوویزیون حاکم است و نیز تعطیل روزنه ها، اما بنا بر آنست تا خونریزی های جدید و مسبارزه شیبگی تا پذیر مردم در گوشه و کنار کشور، طنسرو اشکبار سیجی می باید.

بر اساس گزارش خبرنگاران نوید از تهران و شهر های مختلف تنها در سه روز اول عمده دولت نظامی شاه - امریکا "بسی از صدتن از آزادیخواهان کشته و دهها نفر مجروح شده اند. تهران در اول سبب و دومین روز کودتا ف نفرد، نظا هرات خونین سبب آرای آباد، سه نفر در نظا هرات خیابان شاپور، چهار نفر در نظا هرات خمیران و سه نفر در نظا هرات پورخوش در نقاط مختلف شهر، شهید شدند. همین گزارشها همدا نشدهای نظا هرات و مبارزات سلطنتخواه، مردم قم را ف نفر، مردم زرنال را ۷ نفر، مردم همدان ۲۰ نفر در کورده است. بلافاصله پس از اعلام تشکیل دولت نظامی دهها هزار نفر از مردم آمل به عنوان اعتراض به تهاجم و بدبنا به حلق مردم به خیابانها رفتند و دست به تظاهرات با شوقی زدند. آنها در شامهای پوز شتم و فطیبا خویش فریادی زدند:

"شاه کفن نشود - این وطن، وطن نشود"

در همدان بیش از ۱۰۰ هزار نفر گشینه با سبب خیابانها و محلات شهر را در غریب شاره های سوزان و افشار گروهلوزانند. مردم لاسیر همدان بر روی پلاکات های که با خود حمل می کردند، پیام عبرت انگیز آموزنده ای را نقش زده بودند:

"ما از حکومت اموتیم که امروز با جوب به نظا هرات سببایم و فردا با مسلسل ..."

## با گسترش اعتصابات و تظاهرات سیاسی، بر توان جنبش انقلابی بیافزاییم

بخش سوم از برنامه حزب توده ایران

برای تحول بنیادی جامعه ما

جامعه ایران به یقین تحول بنیادی، به انقلابی که عرصه های مختلف زندگی را دربرگیرد و آنرا در جهت منافع خلق دگرگون کند، نیازمند است.

این انقلاب در مرحله کنونی تا ریشه برداشته شدن تمام باطلات و مصادرات و مصادرات است. از گوناگون مصادرات استحصالی که در دست استحصالیان است. از صنایع طبیعی و اقتصادی کشورها که در دست استحصالیان کامل اقتصادی و سیاسی ایران، سرچشمه مصادرات و مصادرات است. مصادرات سرمایه داری و مصادرات استحصالی سوسیالیستی؛ مصادرات کردن حیات سیاسی و فرهنگی کشور.

شرط ضروری تحقق این انقلاب، احادکلیه نیروهای ملی و آزگون کردن رژیم فئودالیستی، گسستن دستگیره دولتی ارتجاعی و پایان دادن به حاکمیت سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ و انتقال قدرت حاکم از دست این طبقات به دست طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک یعنی کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهر (پیشه ورن و کسبه) و روشنفکران میهن پرست و مترقی و قشرهای ملی بورژوازی، یعنی استغفار جمهوری ملی و دموکراتیک است.

شرط اساسی تا مین پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک احیای تمام نیروهای ملی و دموکراتیک است. اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی چنین سبیه ای است. از آنجا که طبقه کارگر و حزب آن رکن اساسی جبهه وحدت و وحدت طبقه کارگر میسرترین شرط و میسرترین طبقه در ایجاد یک اتحاد وسیع ملی و دموکراتیک و تشکیل جبهه واحد است. حزب توده ایران برای وحدت همه

نیروها و دموکراتیک با تمام قوا کوشیده و می کوشد و توجه به فرخنده ها و مشکلات عینی و ذهنی این امر، بر آنست که با گام های بگسری، استکار، نترس و حرکت گام به گام به این هدف مهم که وثیق و پیروزی خلق است دست یابد.

انقلاب ملی و دموکراتیک تنها به وسیله مبارزه توده های مردم تحقق پذیر است و از طرفی این با این هدف منتهی، این با آن گروه و حزب سیاسی مشخص ناشی شود.

انقلاب اجتماعی که عمل بزرگ آفریننده طبقه برای ایجاد تحول بنیادی در نظام اجتماعی است، به خواست و اراده فردی گروه یا تنها سازمان پوشتانگ نیست، بلکه برای تحقق آن وجود ماسل صاعده عینی و عامل ذهنی ضروری است. در دوران ما آسویی با پیشرختن سیاست لنینیستی همزیستی ماسلنت آسوی، افزایش اقتداره جانی جامعه کشور و های سوسیالیستی و در پیشا پیش آنها اتحاد روی، صف روزافزون امپریالیسم، امکان صدور انقلاب پیش از مین پیروزی، آزادی دیگر بر ماسل شدن ماسل سرمایه داری، افتاء جناسیست امپریالیسم و فاشیسم، بال کردن جاذبه سوسیالیسم آندیشه تحول بنیادی در نظامات کشورهای سرمایه داری پیش از پیش در توده های وسیع مردم شرق می یابد و بدینسان شرایط عینی به طبقات جهانی برای عمل انقلابی خلق های علییه رژیم های فئودالیستی روز به روز مساعدتر می گردد. در این شرایط نقش عامل ذهنی یعنی تشکیک، سیاست صحیح و عمل درستی و پیگیری حزب طبقه کارگر که بتواند جارت انقلابی را با خود بچینی و مبارت سیاسی در آسوزدها همیست فوق العاده ای کسب می کند.

انقلاب اجتماعی به افتضالی اوضاع و احوال می خواهد از راه های صلحانه و غیر صلحانه انجام گیرد و به صورت اشکال گوناگون در آید. چگونگی شکل و عمل انقلابی برای تعرض فطری بردن راننده اراده و تمایل پیشا تنگ جنبش نیست، بلکه به شرایط منحصی اجتماعی و سیاسی و از آن جمله به روش طبقات حاکم در بر این جنبش انقلابی مردم بستگی دارد. لذا نمی توان این شکل را تنها بر پایه تمامایلات ذهنی بکار بریاری همیشه و برای تمام دوران

با کودتا در کودتای شاه چگونه مقابله کنیم

و بسیاری از شهرهای کشور، توسط فعال رژیم، آن پیام مرگبار شاه را که بارها تکرار کرده بود، اگر اساسی برنگردیم، از ایران تنها سرزمینی بوفته سیر جای خواهیم گذاشت. در ذهن ما زنده گرد. شاه در تکمیل این خطا رزمن آسوز بود که هدا در بر حسب و تشدید رخت بزرگ را داد و در اجرای آن به تمامایلات ذهنی و رخت گزینش از مردم، هشتاد و پنجاه تن شاه گزینش را با دادن راننده زنده در ضلع های آسوز کین خود سوزانده و کشت کرد. اما اگر شاه توجه امپریالیسم می خواهد به رقیبتی که شده باشد، مردم لنینیست ماسلند هر رقیبتی، از هر آسوز بختگ های خود آسوز را می یابد. ایرهای خون که در شرف خون میهن داغیده و مجروح می یابد، گسوا در لزلزل نا پذیر می مردم به سئوه آسوزه و فیسام کرده در این مبارزه میانی است.

شخصی انقلابی از پیش منمن ساخت. حزب توده ایران از هیچیک از اشکال مبارزه انقلابی و دیگران نیست و بر آنست که هر تشکیلی از عمل انقلابی که بتواند در شرایط منحصی مورد پشتیبانی توده ها قرار گیرد، بر ضد انقلاب فاشیستی و اردا زد و راه پیروزی خلق را باز کند، با بدیهی کار رود و نیز بر آنست که مبارزات وسیع توده های امراضی، اقتصاد، ایاده و بولوزیک برای افتاء نیروهای فدا انقلابی و به منظور اتحاد نیروها و وسیع مردم وظیفه داسمی بختانگان انقلابی است.

مردم و نهایی انقلاب ملی و دموکراتیک و ستم نگار ملتان ریخی و درجه پیگیری آن با امر سرگردگی (هژمونی) انقلاب ارتباط نام دارد. تنها سرگردگی طبقه کارگر است که پیگیری انقلاب و تمسک به طبع خلقی و شرایط اعتلا آن راه سوی سوسیالیسم تا مین خواهد کرد. لذا حزب ما وظیفه خود می دانند که با تمام قوا در راه تا مین سرگردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران گام بریزد.

تا مین سرگردگی طبقه کارگر تنها به اراده این طبقه و خواست جزوی مربوط نیست. علاوه بر مصلحت ضروری حزب طبقه کارگر، تجربه خود توده ها نیز شرط است تا مین سرگردگی طبقه کارگر. لذا در عین حال که حزب ما برای تا مین سرگردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک مبارزه می کند، آن را شرط وحدت عمل و اتحاد خود با نیروهای ملی و دموکراتیک قرار نمی دهد. تا مین سرگردگی طبقه کارگر به معنای نفی تمامیت احزاب و طبقات دموکراتیک دیگر نیست.

حزب توده ایران راه رخت سرمایه داری را در دوران کنونی تاریخ برای ترقی واقعی و سالم جامعه ایرانیزه قرار نمی یابد، زیرا این راه رشد استعمار سرمایه داری را جایگزین انواع کوفته استعماری می سازد.

بحران عمومی سرمایه داری در دوران ما پیوسته ژرفتر می شود و این نظام با دشواری های روزافزون و گوناگون اجتماعی و اقتصادی دست به گریبان است و با معضلات و مسائل بشری روبروست و به هیچ وجه قادر نیست این مسائل را حل کند. این راه که به جامعه ما تحمیل شده هم اکنون مصاد و فاسدی را که تا مین سرمایه داری از آن انباشته است به همراه آورده است.

سرمایه داری قادر نخواهد بود و با ماسل و وابستگی کشور را چاره کند و مصادات پیروزی حقیقی توده های وسیع مردم را فراهم سازد. در دوران این نظام فاشیستی سرمایه داری به دم به دم تشدید می شود و تضادهای آسوز نا پذیر است و با بقایای تضاد های دردناک گذشته پیوندی می یابد. به علاوه به ویژه در دوران ما، پیچیدگی و رخت سرمایه داری در اقتصاد، در ناچار مصاد تشدید مصاد فاشیستی در سیاست است. چنین دور ماسی نمی تواند مورد قبول کشور ملی و دموکراتیک ایران قرار گیرد. حزب توده ایران بر آنست که بر این اساس استیلا امپریالیسم، نیروها، موصات و موازین ارتجاعی و مصلحتی افتاء آنچنان بر راه رختی است که بتواند ترقی سریع اقتصاد کشور را تا مین نماید و با استفاده از کلیه امکانات سرمایه داری سرمت فاشیسم آن را نسبت به کشورهای پیشرختن جهان از میان بردارد.

بر این بر این راه رختی که حزب ما برای جامعه ایران صحیح می داند، مستگیری سوسیالیستی است که هنوز به معنای استغفار سوسیالیسم نیست ولی مصلحت های لازم و برای گذار سوی جامعه سوسیالیستی آماده می کند. در میهن کار حزب توده ایران از هر دولتی که از یک تحول مترقی فدا میریالیستی و فدا رختی می ناشی شده یا تده به سئوه خود پشتیبانی خواهد کرد و در راه سوی آن به سوی مستگیری سوسیالیستی خواهد گشت.

کودتا در کودتای شاه، از آن جهت که آخرین حربه دیکتاتورانه ای کس ایران است، به قصد یک جنگ نهایی و سرنونت ساز به وقوع پیوسته است. با این کودتا مبارزات انقلابی مردم وارد مرحله تازه ای می شود، چرا که اگر این شش بی دورنما شکست بخورد، شیخه سر حکومت شاه و فرگانه به سنگ خواهد خورد. به همین دلیل است که تهرده که در پیش داریم خونین تر و دشوار تر خواهد بود. برای این تهردها و سئوه های ما به پیروزی و خلاصت خود نیاز مندیم. دوروه مؤثر و آسوزون شده برای ضعیف کردن کودتا و با تصحیف آن در برابر ماسل: ۱- گسستن اعتدال سیاسی و وضعی؛ ۲- سازماندهی و توسعه نظرات سیاسی و موضعی.

۱- در نخستین مصاد با دولت نظامی شاه، حربه اعتدال سیاسی و اقتصادی که مبارزان ما آن دهای حکومت نظامی قبلی را گسخته، مؤثر ترین سلاح است. در هر کارخانه و کارگاه، در هر تاسیسات کلیدی دولتی، در ادارات و سازمان های مؤثر دولتی و موضعی بگوشیم این حربه را که ایک

کارگران ایران، در پیشا پیش جنبش خلق، مبارزات صنفی و سیاسی خود را گسترش دهید!

کارگران آگاه، در کارخانه ها هسته های مخفی حزبی ایجاد کنید و با حزب توده ایران تماس بگیرید!

یک حربه مقدسی و ملی است، با میلیون ها دست نگه داریم و به کار بریم. سازمانها و جمعیت های مبارز سیاسی و وضعی، کارگران مبارز، زحمتگان شهروند، استادان، آموزگاران، دانشمندان، کارمندان به سئوه آسوزدها و دستهای استبداد، بازاریبان و کسبه شرافتمند، روشنفکران میهن پرست، روزنامه نگاران و نویسندگان منعمه در بعضی از رسالت آزادی به عهده شمامت، در نبرد اعتدالی برای درهم گسستن حکومت فاشیستی و نرسال های شاه فاشلان شرکت کنید. مبارزه اعتدالی را به صورت برنامی رزمی این لفظ از سئوه آزادی و اختیاق، دولت فعلی ما مردم به با عاقت خود رخن و رنج غول خورده، تخلیص کنید. اعتدالات را دامن بزنید، به آنها برای رسالت مبارزه با فاشیسم کنید. به اعتدال کنندگان با همه امکانات مسمونی و به ویژه مادی خودمده بر می آید. بگذارنا در جبهه اعتدالی تنظیم ترین اعتدالات سیاسی و وضعی، بکار چگی ملی و عزم مبارزه جوانانه خلق های دلیر ما آمیخته شود.

۲- در کنار همه شیوه های مؤثری که برای خلق کردن نیروی دولت کودتا، سر درگم کردن رخت و برپشان نمودن آن و نیز با لالردن روجه رزمی مبارزان توده های وسیع مردم به کار می آید و باید به وسایم مورد استفاده قرار گیرد، نظرات موضعی گسترده جای غاص دارد. با توجه به این که شرایط حکومت نظامی امکان نظرات و مصادات و راه بهیمای های بزرگ اعتراضی، سیاسی و فاشکار مبارزاتی را سلب می کند و کودتا چنان شاه همان طوره که در چند روز گذشته نشان داده اند، از به خون کشیدن نظرات خیانتی مردم کمترین وابسی ندارند. این نظرات با بدیهی صورت موضعی و با بر خودداری از قدرت تهرک زیاد صورت گیرد. به این ترتیب که نقاط مناسب و اتحاد ممکن جمعیت تهر- قبلا شناسایی شود، راههای اصلی و فرعی پیروزمور و گزیرب شناخته گردد، موانع احتمالی که به صورت طبیعی می تواند در برابر آنها تهمیلها و پلیس و ارتش ایجاد کرده، مورد توجه واقع شود و نگاه به سرمت در این مصلحت از پیش تشمین شده - نظرات بزرگ - سرمت مصاد و به همان سرمت متفرق گردد تا در نقطه مناسب دیکری دوباره گرد آید. مصادق کار رخت و کارگشتن که می نشانه سر حمایتی نیرومندتری برای میان زان دارد، جهت این نوع نظرات مصاد و تهر مشمتر است.

در این لحظات صاعه مبارزه بین نیروهای ملی و فاشیستی، استبداد و فاشیسم، انقلاب و ضد انقلاب، وحدت و مصادی همه نیروهای ملی و دموکراتیک با هم میستیم تشمین کننده است. هر گونه اعتدالی در جنبش که می کوشد ملی را مصاد و مصادات و آسوز و با خواست های فاشیست و طبقات مختلف شرکت کننده در مبارزه، شاره و گرایش های غاص خود را از بالا به جنبش تحمیل کند، هرگونه عدل و مستیز ایندولوزیک و سیاسی و مذهبی که در لحظه کنونی و در گسستن رختی می باشد در پیش دشمن مشترک، یک تضاد فاشیستی است، هرگونه کمپیا دادن به امر همکاری و وحدت عمل همه نیروهای فاشیستی و فدا میریالیستی، در سیاست به منزله تصحیف جنبش و اب رختن در سایب دشمن عمل گر و جرات است. اگر این پیام متبرک لنینی را که مک تجربه ما و آسوزمون برای شما رگسخته بهیمیم که پیروزمندترین سیاست مبارز است آگاهی طبقاتی و اراده و اشتیاق توده های میلیونی را به یگانگی می کند. آنگاه این اشتیاق و اراده میلیونی را (که تشمین کننده پیشا تنگ و رهبری بگ گروه است) طبقه خاص بر جنبش است (با تلاش و مصادت برای اشق آسوز و تشمین و برانگسندی درون جنبش و بکار چرجه کردن آن، با سخ خواهیم گفت.

و سرانجام این که با تحقق، با تحلیف نسبی وحدت دورنی جنبش، با گسترش هر چه وسیع تر اعتدال سیاسی و وضعی و به ویژه سبب در مقیاس عملی، با اجرای موقیعت آسوز برینا مصادات سیاسی موضعی گسترده، راه بکار انقلابی تهرده های مردم در کلیت و مراحل عملی آن باز خواهد شد.

تجربش - ۲۴ اسفند حیدرخان

سرنوینی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی خواست میوم جنبش انقلابی مردم ایران است





# قتل عام در شهرها وارد مرحله تازه ای شده است

## ۱۲ شهید در گچساران

گزارش های رسیده از گچساران، از پیروان دیگری از نماینده نام خود و خونین شاه در این شهر کجایت می کند. اجتماع گروهی از کارگران - که اکثر آنها کارگران مملکت بودند - در مسجد نمازگزاران نامنتظره دژخیمان حکومتی روسیرو شد. این تهاجم بربرستانه به قیمت زندگی ۱۲ کارگر شریف و زحمتکش روحاقت و خیم دها تن از اهالی تمام شد. مردم چنانچه برخی از شهدا را به دست گرفتند و در تنه شاعرهای مذهبی و آزادیخواهانه در خیابانها و کوچه ها به نظاره تهاجم پرداختند.

## ۵ شهید در اهواز و مهاباد

در تظاهرات پرامنه روز عید قربان در شهرهای اهواز و مهاباد نفر شهید شدند. یکی از شهدای مهاباد زنی به نام "آمنه" است. تظاهرات مردم از مسجد "عسائی آقا" مهاباد شروع شد، اما امورا با گازگاز آورو گلوله به تظاهرات کنندگان پاسخ گفتند. در تظاهرات خیابانی اهواز یک کودک و دو مرد به خون شهیدند.

## ۱۰ شهید در زنجان

گزارش هایی که در چند روز اخیر به دست رسیده از اوج گیری واقعه تهاجمی در زنجان در مملکت را با گزینگی از راه مملکت کجایت میکنند. علی رغم هجوم سرنیزه و مسلسل و تانک به مردم تشنه آزادی و عدالت، اجتماعات گسترده تکرار می شود. تظاهرات خیابانی اوج و خروش می گیرد، از خود خورد مردم دلیر با گمانگان و سلاح ها و رژیم زد پشوانه شور و فغان غم آمیز بیشتری بر خوردار می گردند.

در تظاهرات زنجان ۱۰ شهید مردم در شهر زنجان که به پیچ از ۱۰ شهید برجای نهاد، تظاهرات کنندگان برای مقابله با زرهپوشها و تفرقه های نظامی، خیابانها را با تهاجم درخت های که بریده بودند، قطع کردند. آنها در سطح کوچه ها و خیابانها به جنگ و گریز با تفنگداران شاه پرداختند. در حالی که پاسخ گلوله را با سنگ و گلوله و جواب تانک را با چوبدستی می دادند، صحنه های خیابانی و تکان دهنده بی شماره وجود آوردند. آزادیخواهان زنجان با حمله بی باگانه ای مجسمه شاه، این مظهر پست نکبت و خود فروختگی را از میدان شهر به زیر آوردند.

## ۶ شهید در دزفول

گزارش های دیگر که در دست ماست از به خاک ریختن خون های عزیز بی شمار در گوشه و کنار مین و زخم دیده ما سخن می گویند. در دزفول با هجوم بربرستانه تانک ها و زرهپوشها و مسلسل داران رژیم در فریاد روز حکومت نظامی عتفر کشته شدند. دهها نفر از بی این قتل عام و خستیا نه دستگیر گردیدند. گهای زنجیری حکومت با بی پروایی حیرت انگیزی در خانه های بی ریختند و آزادیخواهان را با زدن می کشیدند. با وجود همه سمیت و درندگی، جوانان در گروه های کوچک در کوچه به سر کوچه های شهر تظاهرات می کنند و شمار بی دردی.

## ۴ شهید در همدان

اخبار رسیده از همدان حاکی است که صدها شهید در شهر همدان کشته شده اند. رژیم که در دو مین روز روی کار آمدن دولت نظامی دست به کشتن کار و خستیا نه ای در همدان زده و بی آن ۴ نفر را کشته و ۲۷ نفر را مجروح کرده بود، برای ایجاد رعب و وحشت تعداد زیادی از مبارزان، روحانیون و مبارزان را دستگیر کرده است.

## در شهرهای مجروح دیگر

از تن ستم شهر سلجوقچهران، شیراز، قم و دهها شهید بگری خون می چکد. از شهدای قم در روزهای اخیر از تن فزون تراست. رقم شهدای شیراز تاکنون هفت گزارش شده است. در تهران ۶ نفر در چند روز اخیر در مصاف با قسراولان

دولت زنیال ها زیر نظر مستقیم شاه و اربابان آمریکا می آید در هفته ای که گذشت میهن ما را در خون و با روت فرق کرد. همان طور که ما تا کنون کشته و کشته شدیم، تشکیل دولت نظامی آخرین تیر تیر کشنده است و به همین دلیل ما قتل کردن این دولت فاسد خلقی به تنهایی میسر نمی آید و ما نیاز به جنبش انقلابی کشور را احساس می کنیم. در این جنبش فراوان در این مبارزه سیاسی، بدیهی ترین واقعیت است. رژیم شاه برای آن که جنبش را متوقف نگذارد، در این راه در پی تهاجم به شهرها با قطع کرده و ارتباط تلفنی شهرهای مهم را نیز با دشواری همراه ساخته است. وسایل ارتباط جمعی نظیر رادیو و تلویزیون و روزنامه ها را با زیر محرم نظام میان کشور و بی پایه اعتبار و تعطیل و ادا شده است. حتی ورود تفریحات خارجی زبان با قطع شده و با ایشاکال بسیار صورت می گیرد. در چنین شرایطی خبرهایی که از شهرهای مختلف به ما رسیده حاکی از هجوم آسار کینه منفرقه های شاه به مردم رزمند و بی سلاح و راه انداختن جوی شهرها و شهرهای خون در نقاط مختلف مملکت - خند و پشیمان - و به راه افتادن موج وسیع دستگیری ها است. بی نهایت آسار تفریبی تعداد زیادی از روزهای اخیر در سراسر کشور به هزار نفر نزدیک است. به این رقم موهن هزاران مجروح و با زده شده را نیز باید اضافه کرد. به نظر می رسد رژیم سردرپی جنون و جنایت به آخرین مرزهای صنی نکبت با رخصود نزدیک می گردد و در زیر ضربات گسترده ترین جنبش انقلابی خلق که از خون شهید تازه شعله ورتویا هر هجوم و شیطون جدید صمم ترو نیرو مندتری شود، از هم می پاشد.

## ۲۶ شهید در خرمشهر

خبرنگاران نوید از خرمشهر گزارش می دهند در تظاهرات وسیع این شهر در روز بیستم آبان ماه - روز عید قربان - ۲۶ نفر کشته و دهها نفر به شدت مجروح شدند. در خمیان شاه از با مدار روز جاده با تفرقه ها و زرهپوشها، مصادومیدان شهر را محاصره کردند و از اجتناب مردم در صاف جلوه گیری نمودند. با خستیا نه هجوم پلیس، تظاهرات مردم چون شعله های آتش از گوشه و کنار شهر برپا داشت و گشتکار مسلح ها این تظاهرات گسترده را به خاک و خون کشید. در همان ساعات اول مبارزه خیابانی مردم، خیابانها و اماکن در میان حمله های دود آتش خرق شد و با خون ۲۱ شهید لاله آبی در روی اسفالت خیابانها شگفت. تا فریاد آن روز و تن از مجروحین حادثه در بیمارستان ها از جمله بیمارستان رضا پهلوی درگذشتند.

## ۲۴ شهید در لاهیجان

گزارش خبرنگاران ما از لاهیجان حاکی است که در تظاهرات و زد و خورد های خونین این شهر کشته شدی ۲۴ تن از آزادیخواهان جان خود را از دست دادند. تعداد مجروحین حادثه بیش از هفتاد است. مردم در این نبرد بی شائبه با شتابت های گره گوده به مسلسل ها و تفنگ های خود کار حمله کردند و بسیار شمارهای سوزان خود که عشق و شور آزادی در آن قراره می کشید، رژیم جنایتکارانه و حامیان امپریالیست آن را محکوم کردند. به دنبال این جنایت گناه دهنده شهید لاهیجان در کتوت و عزاداری فرورفت و مردم به نشانه اعتراض و خشم و نفرت خود نسبت به رژیم آدمکشان تمامی مبارزه را تعطیل کردند.

## ۱۰ شهید در ۵ شهر

گزارش خبرنگاران ما از آمل، بابل، ناری، شاه و بیشتر آزادیخواهان را در این شهرها بیش از ۱۰۰ نفر اعلام کرده است. خونین ترین زد و خورد در آمل و بیشتر روز داد. در بیشتر مردم در میان باران گلوله و برده های دود شمارهای خود را به نوحه آمیخته بودند و فریاد می زدند: «زها، عزایت امروز - شاه کمرگشته، ضلوع ماست امروز».

روز عید قربان گروهی از مردم بابل برای شرکت در مراسم یادبود شهدای آمل، با شمار و خروش بی سوزی این شهر به راه افتادند. نزدیک به ۴۰۰ نفر در میان گرفته طبعی استبداد با صف مزدوران مسلح روبرو شدند و در زیر باران گلوله آنها ۷ شهید و صدها زبانی مجروح برجای نهادند. همان روز در طی چندین خودرود گراگشته عده دیگری در آمل به شهیدان رسیدند. تظاهرات در اطراف کلاشتری که صود حمله مردم غمگین فرار گرفته بود، بیشتر بود.

## تعطیل عمومی در شهرها

در حالی که نشانه های با شرکت صدها هزار کارگر، صدها هزار دانشجو و استادان و دانشمندان و نویسندگان، صدها هزار کسبه و روشنفکران و روزنامه نگاران و نویسندگان و قاضی و وکیل دادگستری، زمین زمین مایک منت گره گوده و احساسات است که بر دیوار های استبداد استکی به امپریالیسم می گویند، در حالی که تظاهراتی در شهرهای مختلف صدها شهید و صدها مجروح و خونین شاعرهای سرخ و لاله گون برجای نهادند است، تعدادی از شهرها به نشانه اعتراض به کشتار نظامیان و دژخیمان شاه، به قصد ادامه مبارزه در همه اشکال و ضربه های خلقی خود، به عنوان مبارزه ای شده، به صورت تعطیل عمومی در آمده اند. گزارش خبرنگاران نوید از شهرهای گونه گونه نشان می دهد که تعطیل عمومی مبارزه ها، با زارها، اکثر ادارات و مدارس موسسات به صورت یکی از مؤثرترین حرب های جنبش انقلابی در آمده و عملاً به قطع کردن دولت نظامی و رژیم شبه فاشیستی نقش مؤثری ایفا می کند. شهرهای اصفهان، قم، زنجان، بجنورد، لاهیجان، همدان، شیراز، بزرگ بزرگ، بکهارچه تعطیل شده اند. با زار تهران و اکثر شهرهای کشور نیز در حالت تعطیل کامل فرو رفته اند. مردم دلیور میهن با حتی با کتوت و خاوشی خود به تکرار انقلابی ادامه می دهند. فرمان حمله عمومی در همه عرصه های اجتماعی صادر شده است.

## اطلاعیه

از طرف دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
پيرو انتشارنامه صحیح بزرگ طوی با نایبند روزنامه رستاخیز که در شماره ۴ آبان ماه ۱۳۵۷ ۱۱ روزنامه درج شد، سوالاتی درباره ارتباط وی با حزب توده ایران مطرح گردید.  
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدین وسیله اعلام می دارد که بزرگ طوی به علت موضع گیری های جدا از خط منی حزب توده ایران از تاریخ فوروردین ۱۳۵۶ از عضویت حزب توده ایران برگزاشته است.

نقل از روزنامه مردم بخارا ۲۱۷ به نایب ۱۳۵۷

## پیام به هواداران حزب

حزب توده ایران ار همه هواداران حزب در ایران دعوت می کند: بکوشید هر چه سریع تر بر اساس رسدومهای سازمانی حزب گروه انقلابی سوده ای و وجود آورنده و در جهت تحقق شعار های حزب فعالیت کنید. تروحمسی و سازماندهی سیرداد بدو در اولن فرصت با حزب شما می گردید.

برای برقراری تماس سفیم، با یکی از رفقای معدود بدو در اطمین نامار روسیا از طریق یک تلفن عمومی به شماره های ۲۱۴۰۰۲۱۴ و ۲۱۴۰۰۲۱۴ یا براس تلفن کت و آقای باهر Bayer را بخوانید. آن دوستان شماره تلفنی را که با شما تماس دارند مرکز حزب تماس بگیرند شما خواهد داد. به در بعضی اول و نه در تلفن دوم نام واقعی و نشانی خود را بگویند. خود را با نام مستعار معرفی کنید و به راهمایی های که به شما خواهند داد دقیقاً توجه کنید. به دست آوردن، تکثیر و پخش هر چه وسیع بر سر تظاهرات حزبی، از جمله صحنه های نوید و بردن شمارهای حزب به میان توده ها، به ویژه کارگران، از مهمترین وظایف هسته ها و گروه های توده ای است. مادرا را خلق حرکت می کنیم. هدف ما به حق است. راه ما در دست است. ما را انجام بپرواز خواهیم شد.

۱۹۱۷ ستاره ۱۵۶

استبداد به خون شهید شده اند. در علی آباد کارگران ۲ نفر در تظاهرات آزادیخواهانه به خاک افتاده اند... از اینجا و آنجا... از همه جا، مردم با سینه های ایران و پشت های گره گوده، به تانک ها و مسلسل ها هجوم می آورند. انقلاب تندرهای خویش را بر تن استبداد جنایت پهنه و وابسته و نظم پیوسته حاکم بر میهن ما می گویند. انقلاب در میان خون و آتش و از اعماق مرگ و خطر راه خود را می گشاید.

# سرنگونی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی خواست مردم جنبش انقلابی مردم ایران است

# نویسنده

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم - شماره ۵۸ - شنبه ۲ آذر ۱۳۵۷

## مبارزه برای جلب اقلیت

## مبارزه برای جلب اقلیت

رژیم متزلزل شاه که در برابر جنبش انقلابی خلق همه تنگنه گاه های خود را یکی پس از دیگری از دست می دهد، می گوید تا آخرین و مهم ترین تنگنه گاه خود یعنی ارتش را به هر قیمت که شده حفظ کند. رژیم که از تزلزلات و نا آرامی های اخیر در مصروف ارتش به وحشت افتاده، برای برگردن شکاف درون نیروهای مسلح که روز به روز عمیق تر می شود از سایر اقلیتها استفاده و ارباب و اعدای نامطمئن و تمسبیقت استفاده می کند. با یک دست فرمان و درجه داران و سربازان و فرماندهان میهن پرستی را که حاضر به پذیرش او امر جنایت کارانه رژیم و گشتن برادران و خواهران مبارز و آزادیخواه خود نیستند به زندان می افکند و به جرم اعدام می سپارد و از سوی دیگر با امروزیان حداقل هزار تومان به حقوق افراد ارتش (که از هفته گذشته طبق یک فرمان موقری ارجاع شده عمل می کند) و وسعت و تعمیق آذوقه رایگان به آنها ازالا پند می گوید و بر توده ها و تزلزلات آنها فاسق آید و آنها را در زیر فرمان خود نگاهدارد. از یک سو سربازان مسلح را برای کشتن مردم به خیابانها می فرستد و در ازای آن به آنها لباس و غذای خوب می رساند و از سوی دیگر برای کشته افشان و درجه داران نیروهای مسلح خشتا کشته می فرستد که انگه ها و گمراهی و شخصی خود را با وجودی که جو را دارند در جنگ تحویل دهند تا مبارز روزی اضاغنا خواهد دید آنها با خوششان از آنها علیه رژیم و به حمایت از مردم استفاده کند.

همچنانکه جنبش انقلابی اوج می گیرد، توده و دولتی در ارتش روبرو با افزایش می گذارد. زیرا بخش عمده سربازان، درجه داران و فرماندهان از طبقات و اقشار زحمتکش مردم برخاسته اند و پیوسته خود را با آنها حفظ کرده اند و نمی توانند از مبارزات حق یو بیانه و از آزادیخواهان آنها برکنار بمانند. اما رژیم با تمام وسایل و یک گوشه بر این شکاف و تزلزل فکری کند. به قول لنین:

«صنایع که مبارزه انقلابی است می باید دولتی و در دستارت باشد که در هر جنبش و واقعه ای امری تا کنون است مگر به یک مبارزه واقعی برای جلب اقلیت منجر می گردد.»

در چنین شرایطی کارمندان و مأموران افشارگرا نسه در میان ارتش به منظور جلب آنان به صفوف جنبش خلق از وظایف تاخیرناپذیر مهم مبارزان

در این مبارزه است.

در چنین شرایطی کارمندان و مأموران افشارگرا نسه در میان ارتش به منظور جلب آنان به صفوف جنبش خلق از وظایف تاخیرناپذیر مهم مبارزان

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

اخطار و تهدید لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدراعظم رتشیست شورای عالی اتحاد شوروی، به غرب امپریالیستی و به ویژه آمریکا در باره دخالت در ایران، در جهان با زتاب وسیعی یافت. این اخطار به ویژه از این نقطه نظر برای مردم میهن ما از اهمیت و حساسیت فوق العاده است که ضمن تأکید بر اهمیت جنبش دموکراتیک وطنی ایران، از توطئه هایی که برای ضربه زدن به آن و حفظ رژیم مستبد سلطنتی توسط امپریالیسم خنابارگ دیده می شود، برده برمی دارد. اما اخطار برژنف تنها اخطارگر بر توده ها و تزلزلات آنها فاسق آید و آنها را در زیر فرمان خود نگاهدارد. از یک سو سربازان مسلح را برای کشتن مردم به خیابانها می فرستد و در ازای آن به آنها لباس و غذای خوب می رساند و از سوی دیگر برای کشته افشان و درجه داران نیروهای مسلح خشتا کشته می فرستد که انگه ها و گمراهی و شخصی خود را با وجودی که جو را دارند در جنگ تحویل دهند تا مبارز روزی اضاغنا خواهد دید آنها با خوششان از آنها علیه رژیم و به حمایت از مردم استفاده کند.

همچنانکه جنبش انقلابی اوج می گیرد، توده و دولتی در ارتش روبرو با افزایش می گذارد. زیرا بخش عمده سربازان، درجه داران و فرماندهان از طبقات و اقشار زحمتکش مردم برخاسته اند و پیوسته خود را با آنها حفظ کرده اند و نمی توانند از مبارزات حق یو بیانه و از آزادیخواهان آنها برکنار بمانند. اما رژیم با تمام وسایل و یک گوشه بر این شکاف و تزلزل فکری کند. به قول لنین:

«صنایع که مبارزه انقلابی است می باید دولتی و در دستارت باشد که در هر جنبش و واقعه ای امری تا کنون است مگر به یک مبارزه واقعی برای جلب اقلیت منجر می گردد.»

در چنین شرایطی کارمندان و مأموران افشارگرا نسه در میان ارتش به منظور جلب آنان به صفوف جنبش خلق از وظایف تاخیرناپذیر مهم مبارزان

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

در این مبارزه است.

بخورد به منافع امنیتی خود خواهد نمود. همزمان با اخطار رتشیست لنین برژنف به آمریکا گوشه ای از زمینه های که بر علیه جنبش انقلابی مردم ایران چیده شده است، برداشت بر او نوشت:

در محافل سیاسی و امنیتی گفت می شود که ایالات متحده آمریکا سرگرم تنظیم نقشه ها و برای مداخله نظامی در امور ایران است. در اجرای این نقشه ها به پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) و سیا (سازمان مرکزی جاسوسی ایالات متحده آمریکا) نقش عمده ای برعهده دارند. کارشناسان نظامی آمریکا و عملیات در جریان امور مربوط به این نقشه ها بسیار فعال شده اند. به نوشته روزنامه واشنگتن پست در آستانه استعفا کابینه آما می دو هوا پیمای جابل عمل سازمان جاسوسی "سیا" به ایران وارد شده و قرار است که فرمانده آمریکایی کل نیروهای مستخدمه پیمان نظامی تجار و کار "سیانو" از ایران بپسند کند.

همین روزنامه می نویسد: در کاخ سفید کمیته ویژه زیر نظر رئیس جمهوری برای بررسی اوضاع ایران و دروزارت خارجه آمریکا گروه کاروهنگشت عاقله درباره ایران تشکیل شده است. به گفته مطبوعات ایران مبارزه در هسار آمریکا با جنبش قابل ملاحظه ای از آنها به نحوی از اخطار با نیروهای مسلح مربوطه در ایران سکونت دارند.

در دوران اخیر گروه های هر چه تازه تری از مستشاران نظامی و کارمندان سیاسی آمریکا وارد ایران شده اند. یکی از خشمناک های بلند پایه تقاضای پناهندگی سیاسی کرده ضمن ما می به ای سازمان سیا آمریکا گفته است: "سازمان سیا آمریکا نقشه ای برای مداخله نظامی در ایران تهیه کرده است که اگر اوضاع در ایران از کنترل خارج شود در عملی خواهد ساخت. افسران امریکایی که برای این هدف برگزیده شده اند در ایالات متحده آمریکا آموزش و پرورش دیده اند، باید در اجرای این نقشه شرکت یابند. در چنین شرایطی است که اخطار برژنف بر علیه امپریالیست ها در مورد هرگونه مداخله آنها در حوادث ایران اهمیت خاصی کسب می کند و به مردم به خود اعتماد ایران نشان می دهد که در مبارزات خود علیه ارتجاع و امپریالیسم و برای تحقق خواسته های ملی و دموکراتیک آنها هستند.

## از اعتصاب رزمی کارگران صنایع نفت و گاز به هر شیوه ممکن پشتیبانی کنیم

بیکار دلبهرانه" اعتصابی کارگران صنایع نفت علی رغم همه ذریع بر پاکتی های ژنرالهای گوش به فرمان شاه از طوق رادبولو بیرون اشغال داده دارد و همه تهدیدها، ضرب و شتم و استکبرهای بی وقفه" کارگران اعتصابی نتوانستند از هرزم آهنگین و روحیه انقلابی آنان کوچکترین غللی وارد آورد.

بر اساس آخرین گزارش های رسیده در اهواز و آغا جاری اعتصاب همپا با دامه دارد. در بالابنگاه آبادان تنها گروه اندکی از کارکنان زور زور فشار شدند و تهدید سرزنش به سرباز خود را گرفته اند و اکثریت عظیم کارگران به اعتصاب جمعی آمیزش خود ادامه می دهند. میزان صدور نفت همچنان در سطح پارسی است و نفتکش های عظیم همچنان در بارگ سرگردانند. تمام شواهد حکایت از آن دارد که بیشتر نفتی که در حال حاضر از ایران صادر می شود مستقیماً به اسرائیل و آفریقا می جوی می رود زیرا رژیم ضد خلقی شاه رابطه مستقیم و تجدیدت داری با رژیم های متجاوز و نژادپرست این کشورها دارد. اعتصاب در بالابنگاه نیز ادامه می دهد. تهریزم سراز و گرمناش نیز ادامه دارد. تاکنون تعداد زیادی از کارگران اعتصابی در جنگال دزغیان اسیر شده اند. نظامیان و مأموران ساواک در جستجوی کارگران به خانه های کارگری بورس می بردند و کارگران را خانه به خانه تعقیب

میکنند و بلافاصله پس از دستگیری آنان را در همان خانه ریز ضربات مشت و لگد و فنداق تشنگ میگیر تا سرحدت ترور و وحشت نظامی میفرسند. این مزدور کشف حتی از تنگنه کارگران را دور در برابر سوازه شان روگردان نیستند و تنخواه مخرج آنها را پس از کتبخه با چشمان بسته مداخله انوسلای نظامی می اندازند و نقاط نامطمئن می برند.

گزارش های دستگیری که به ما رسیده حاکی از آن است که در مناطق نفتی جنوب از جمله گیساران و بهبهان و ساواک توطئه جدیدی را برای ترور و اغتصاب و مصادره زمین پرست و سرشناس آغاز کرده است. تاکنون در گیساران یک معلم مبارز قربانی این توطئه جنایتکارانه شده و با شلیک گلوله به اطلاع افراد ناشناس به شهادت رسیده است. فضای هر چه وسیع تر این توطئه جدید ساواک است که جان همه مبارزان را در معرض خطر قرار داده است از وظایف همه نیروهای ملی و آزادیخواهان است. ما از همه کارگران و زحمتکشان ایران، از همه نیروهای ملی و دموکراتیک دعوت می کنیم که به بزرگ و با استفاده از همه شیوه ها و هر شیوه مستماری به پشتیبانی فعال و همه جانبه مبارزه با امپریالیسم و امپریالیسم نظامی و اعتصابی کارگران صنایع نفت و گاز و غیره و آگاهان هستند که رژیم در مقابل ما همه مستقیم سنگرمبارزاتی جنبش انقلابی میهن ما نرادر هم شکنند.

## اعلامیه فدراسیون سندیکایی جهانی

ده هزار نفر از زحمتکشان شرکت ملی صنایع نفت ایران چند روز پیش در جریان مبارزات گذشته و دلپروانه ای که مردم و زحمتکشان ایران می کنند دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب بر اهمیت به منظور رسیدن به خواسته های اقتصادی در این حال برای پایان دادن به اختلافی است که از طرف شاه و دست جنایتکاران و اعمال می شود.

بیکار دلبهرانه" اعتصابی کارگران صنایع نفت علی رغم همه ذریع بر پاکتی های ژنرالهای گوش به فرمان شاه از طوق رادبولو بیرون اشغال داده دارد و همه تهدیدها، ضرب و شتم و استکبرهای بی وقفه" کارگران اعتصابی نتوانستند از هرزم آهنگین و روحیه انقلابی آنان کوچکترین غللی وارد آورد.

بر اساس آخرین گزارش های رسیده در اهواز و آغا جاری اعتصاب همپا با دامه دارد. در بالابنگاه آبادان تنها گروه اندکی از کارکنان زور زور فشار شدند و تهدید سرزنش به سرباز خود را گرفته اند و اکثریت عظیم کارگران به اعتصاب جمعی آمیزش خود ادامه می دهند. میزان صدور نفت همچنان در سطح پارسی است و نفتکش های عظیم همچنان در بارگ سرگردانند. تمام شواهد حکایت از آن دارد که بیشتر نفتی که در حال حاضر از ایران صادر می شود مستقیماً به اسرائیل و آفریقا می جوی می رود زیرا رژیم ضد خلقی شاه رابطه مستقیم و تجدیدت داری با رژیم های متجاوز و نژادپرست این کشورها دارد. اعتصاب در بالابنگاه نیز ادامه می دهد. تهریزم سراز و گرمناش نیز ادامه دارد. تاکنون تعداد زیادی از کارگران اعتصابی در جنگال دزغیان اسیر شده اند. نظامیان و مأموران ساواک در جستجوی کارگران به خانه های کارگری بورس می بردند و کارگران را خانه به خانه تعقیب

میکنند و بلافاصله پس از دستگیری آنان را در همان خانه ریز ضربات مشت و لگد و فنداق تشنگ میگیر تا سرحدت ترور و وحشت نظامی میفرسند. این مزدور کشف حتی از تنگنه کارگران را دور در برابر سوازه شان روگردان نیستند و تنخواه مخرج آنها را پس از کتبخه با چشمان بسته مداخله انوسلای نظامی می اندازند و نقاط نامطمئن می برند.

گزارش های دستگیری که به ما رسیده حاکی از آن است که در مناطق نفتی جنوب از جمله گیساران و بهبهان و ساواک توطئه جدیدی را برای ترور و اغتصاب و مصادره زمین پرست و سرشناس آغاز کرده است. تاکنون در گیساران یک معلم مبارز قربانی این توطئه جنایتکارانه شده و با شلیک گلوله به اطلاع افراد ناشناس به شهادت رسیده است. فضای هر چه وسیع تر این توطئه جدید ساواک است که جان همه مبارزان را در معرض خطر قرار داده است از وظایف همه نیروهای ملی و آزادیخواهان است. ما از همه کارگران و زحمتکشان ایران، از همه نیروهای ملی و دموکراتیک دعوت می کنیم که به بزرگ و با استفاده از همه شیوه ها و هر شیوه مستماری به پشتیبانی فعال و همه جانبه مبارزه با امپریالیسم و امپریالیسم نظامی و اعتصابی کارگران صنایع نفت و گاز و غیره و آگاهان هستند که رژیم در مقابل ما همه مستقیم سنگرمبارزاتی جنبش انقلابی میهن ما نرادر هم شکنند.

بر اساس آخرین گزارش های رسیده در اهواز و آغا جاری اعتصاب همپا با دامه دارد. در بالابنگاه آبادان تنها گروه اندکی از کارکنان زور زور فشار شدند و تهدید سرزنش به سرباز خود را گرفته اند و اکثریت عظیم کارگران به اعتصاب جمعی آمیزش خود ادامه می دهند. میزان صدور نفت همچنان در سطح پارسی است و نفتکش های عظیم همچنان در بارگ سرگردانند. تمام شواهد حکایت از آن دارد که بیشتر نفتی که در حال حاضر از ایران صادر می شود مستقیماً به اسرائیل و آفریقا می جوی می رود زیرا رژیم ضد خلقی شاه رابطه مستقیم و تجدیدت داری با رژیم های متجاوز و نژادپرست این کشورها دارد. اعتصاب در بالابنگاه نیز ادامه می دهد. تهریزم سراز و گرمناش نیز ادامه دارد. تاکنون تعداد زیادی از کارگران اعتصابی در جنگال دزغیان اسیر شده اند. نظامیان و مأموران ساواک در جستجوی کارگران به خانه های کارگری بورس می بردند و کارگران را خانه به خانه تعقیب

میکنند و بلافاصله پس از دستگیری آنان را در همان خانه ریز ضربات مشت و لگد و فنداق تشنگ میگیر تا سرحدت ترور و وحشت نظامی میفرسند. این مزدور کشف حتی از تنگنه کارگران را دور در برابر سوازه شان روگردان نیستند و تنخواه مخرج آنها را پس از کتبخه با چشمان بسته مداخله انوسلای نظامی می اندازند و نقاط نامطمئن می برند.

## با گسترش اعتصابات و تظاهرات سیاسی، بتوان جنبش انقلابی بیافرینیم

# نبرد اعتصابی و تظاهراتی در سراسر کشور در میان خون و گلوله ادامه دارد

## گلوله باران کارگران مبارز دوب آهن اصفهان

در حالی که اعتصاب پرکوه و تارخی کارگران و زمختگان صنایع نفت و گاز نتوان رژیم پوسیده شاه را به سرعت روبه تطبیلمی بردن امیرالایم جهانی را دچار روحی باورکردنی کرده است، هزاران کارگر و زمین دوش آن اصفهان نیز به مبارزات اول صبح راهی ایران از بند اسارت فارتکستران پیوستند و دوشادوش هزاران کارگر صنایع نفت و گاز و پیران کارگر خود در دهها کارخانه کوچک و بزرگ اصفهان و در دهان آن برای به دست آوردن حقوق اقتصادی و اجتماعی آن با رژیم جبار و لگرای پستگند به حرکت درآمدند.

کارهای استوار و پرطنین کارگران در جنبش انقلابی کنونی وطنمان کهن دیگری دارد و نویسنده با داری قاطع ترند راه مبارزات ملی و دموکراتیک را می دهد. گلبدین میرزا که در دست آنهاست، گزارش ها می که از مجمع صنعتی دوب آهن اصفهان به ما رسیده حکایت از جوش عظیم انقلابی کارگران و دیگر زمختگان آن دارد. این سرشوش انقلابی جاری شدن خون دهها کارگر این واحد عظیم صنعتی در جریان تظاهرات آزادیخواهانه و نبرد آنها توان تازه ای گرفته است.

گزارش کوتاهی را که یکی از کارگران دوب آهن برای چاپ در نویسنده رسیده، در پی می خوانید: روز یکشنبه ۱۲ آبان، در پی همان روزی که شاه تهران را به آتشکده هزاران کارگر، زمین دوش و کادریان اصفهان تظاهرات عظیمی در رژیم جبار و لگرو خود برپا داشت، ما سازمان دادیم. اعتصابی که دوب آهن را به حال تعطیل در آورده بود. بدینا قرار می که از قبل داشته شد، بود. راه پیمایی منظم و با شکوهی را به طرف شهر اصفهان آغاز کردیم. پیوندناگسستی کارگران سراسر ایران تا آخرین لحظه پهنوی، آزادی و استقلال ملی، پشتیبانی از جنبش انقلابی خلق های ایران، محکوم کردن فحاشی که عمال رژیم شاه - ساواک در شهرهای ایران به ما زاده شده بود... از شعارهای اعتصابی و تظاهراتندگان بود.

دره یکپلوتری آ برشور - اصفهان واحدهای مسلح ارتش راه را بر تظاهراتندگان و اعتصابیون بستند و به دنبال آن هلی کوپترهای ارتش روی سر جمعیت به پرواز آمدند و سپس از زمین هوا و کارگران مبارزان گلوله بستند. دهها کارگر، زمین دوش و زمختگان دوب آهن در خون خود غرق شدند و دهها نفر دیگر با هجوم های بی وقفه نظامی پستگند شدند که از سرشوش آنها اطلاعاتی در دست داریم و نه از تعداد تلفات و مجروحین، زیرا پس از این عمل وحشیانه و رژیم و کارگزارانش تمام تلاش خود را کردند اندک ارتباط قسمت های مختلف کارخانه را با یکدیگر قطع کنند تا اخبار و اطلاعات مربوط به این جنایات موحش میا دله نشود. ارتداد ادیبیت ها کسی با خبر نشود. اما علی رغم تمام این تلاش ها، کارگران قسمت های مختلف با دست از کار کشیده اند و با کمک کاری مبارزه جدیدی واقعیه رژیم پوسیده شاه آغاز کرده اند. و این در حالی است که کوره بلند دوب آهن به دنبال قطع جریان گاز از مناطق نفتی جنوب عملا از کار افتاده است و برای کار مجدد آن همسره با وقت لازم است.

حکومت زنیال ها که از نخستین ساعات کار خود برای بی خبر نگه داشتن مردم از آنچه در ایران میگذرد، ارتباط بسیاری از شهرها را با یکدیگر قطع کرده و ساخوردند. ارتداد ادیبیت و لگرو خود را بکار گرفته و با اعلام نظارت مستقیم بر طرقات عملا مانع از استتار آنها نداشت تاکنون کوچکترین خبری درباره تظاهرات و اعتصاب شورا نگین کارگران دوب آهن اصفهان و گشتارسی رحمانه آن منتشر نگردیده است.

از سرشوش آنها و مرگی احتمالی آنها بر اثر خفگی هنوز اطلاع دقیقی نداریم اما نخستین تحقیقات نشان می دهد که در جریان تظاهرات و حمله عمومی که در صحن صحرای رضا به راه انداختند پیش از ۲۰ نفر کشته شدند. تعداد دقیق مجروحین و زخمی ها معلوم نیست. ما سواران ارتش و ساواک از رساندن خون به مجروحین و تیر خوردگان جلوگیری کردند به دنبال این هجوم و گشتار وحشیانه ششصد نفره بکاربرد به حال تعطیل و آزاداری درآمد مردم در نقاط مختلف تظاهرات عظیمی برای محکوم کردن رژیم شاه - ساواک و پشتیبانان امپریالیست آن برپا کردند. همچنین به دنبال دستگیری دو بزرگ مبارز و پیمانای شانز (وا بسته به دانشگاه فردوسی) که یکی از آنها دانشجویان (معاون دانشگاه پزشکی) است حدود ۲۰ هزار دانشجو و کادریون تباری بیچاره را در محاصره داشتند. این خصمنه در حالی صورت گرفت که سربازان بیمارستان را معاینه کرده اند.

شهر شیراز از نیرووز روز ۲۸ آبان صحنه یکی از خونین ترین تظاهرات ملی و آزادیخواهانه مردم بود که طی آن دست کم ۲۰ نفر کشته شدند. تظاهراتندگان شیراز به دنبال اعلامیه استیلا علیه مطبعتی، یکی از روحانیون مبارز شیراز که برای اعتراض به گشتار مردم توسط نظامیان آنها و دعوت به تعطیل عمومی کرده بود دست گرفت. در جریان تظاهرات یکی از کارگران اعتصابی در تظاهرات خونین که به شیراز آمده بود سخنرازی وی ضمن توجیح مشروع خود مربوط به اعتصاب پرشور کارگران صنایع نفت به فشارها و عملیات وحشیانه عمال رژیم شاه برای درهم کوبیدن این اعتصاب و تظاهرات رژیم و پادشاهی تارخی کارگران اشاره کرد. او در حالی که صفت های خود را گزافه بود از مبارز برای حمله شبانه به خانه های مطهر کارگران اعتصابی و فریب و خشم زین و فرزندانش گفت و اعلام داشت که تاکنون دهها نفر از کارگران اعتصابی به منظور درهم کوبیدن اعتصاب و فریب کردن روحیه کارگران دستگیر شده اند. ما کارگران تصمیم داریم به پادشاهی خود ادامه دهیم. به دنبال سخنرانی هیچان تا نگین این کارگر مبارز، مردم که به خشم آمده بودند در حالی که به طرفداری از کارگران اعتصابی صفت تمام کارگر می دادند با صفت های گره گزیده هم مجددا تیرا کردند و دست به تظاهرات خرابی های زنده هزاران نفر در این تظاهرات شرکت داشتند.

شهرهای مسلح رژیم که پر خرابیهای اطراف مسجد در کمین مردم بودند در تیرا و مسلسل تارخی روی آنها گشودند. در همان لحظات اول دهها نفر به خاک و خون کشیده شدند. مردم اسیر و زاری شانسه هایشان حمل می کردند با این حال به تظاهرات پشتیبانی از کارگران صنعت نفت ادامه دادند. این تظاهرات صحت یافته اما به در تمام این صحنه های تلخ گلوله در شهرنشینان اندازید. مردم زخمی را از آسایش خود دور می کردند تا به دست گمشدگان شاه آورده شده اند. از مجروحین آمار می رقم این تخمینها دستگیر شدند. سیر اساسی نخستین آمار می رقم در تیرا اعلام شده تمسداه کشته شدگان تا مدتی دیگر شده است.

به دنبال این قتل عام وحشیانه از سوی نظام بهاء الدین مطبعتی ای اعلامیه ای هفته جاری عمومی اعلام شده است و در آن از اعطای وابسته به جمعیت حقوقدانان ایران در استان فارس به منسوب اعتراضی به این گشتار و تارقاتی دانستن شهرت نیست و خواهان مجازات عادلانه این گشتار فحش شده اند.

از قزوین بزرگترین پورنیزا اخبار مربوط به تظاهرات مردم در روز ۲۲ آبان (روز عید غدیر) رسیده است که با هجوم گزافه ای درنده شاه پوسید شده است. هنوز گزارشی از تعداد دقیق تلفات این تظاهرات به ما رسیده است اما نخستین گزارشها حکایت از شهادت تعدادی از آزادیخواهان در پی دارد. یکی از شهدا هجرتی از آزادیخواهان است به نام حسین زینبی.

هویت چهار شهید تظاهرات تارخی نیز به ما می جوید. در اصفهان، محمود هفانی، علی طاهری، و علی اسفندیار مشخص شده است.

### نیروزی تحص سنجد

حدود ۵۰۰ مبارز آزادیخواه سنجد که چهار شبانه روز در مسجد بزرگ این شهر به عنوان اعتراض به دستگیریهای ارتش محاصره شده بودند به دنبال آزادی ۱۲ تیر از فرهنگیان این شهر دست از زمین کشیدند و پیروز شدند. همراهِ آزادیندگان به آغوش شیرین باز گشتند. فرهنگیان آزادی شده که از مبارزان سرشنای راه آزادی و استقلال ملی هستند بهانه تشریح مردم دستگیر شده بودند.

در حالی که موج گسترده و میلیونی اعتصابی و تظاهراتی، موج از پیوج مین ما را در پی آورد و مبارزات همه جانبه مردم با همه اشکال توطئه های ممکن و فرخوردار از انواع خلاقیت های توده ای و دمپس آجوج و وسعت بیشتری می گیرد، رژیم شاه دولت ورگشته نظامیان مزدور ارباب اشغال را دیو و پیمان تلویزیون ها را با جامه مانع در راه انتشار روزنامه ها و قطع تلفن اکثر شهرها با ایجاد اشکال در وابسته های تلفنی بین شهرها و نیز حمل و انتضار خبرهای سراسر و دروغ و پیخته، می گوشت از ایران تصویر ساکن برده به دست دهد و همچنین انمود کند که دولت نیز راه به اصلاح بر اوضاع مسلط است. در زیر این پهنه سکت فرار و فریبی و فریب و مهارتندستی خلق های مبارز ایران آزادی و استقلال و فریب گشتار روزافزون آن حکایت می کند. همچنین سیر انگار مبارزه مردم با زنیال های جنایتکار و خود فروخته شاه جنبداعتصابی و تظاهرات گسترده عظیم با مومنی است.

در حالی که اعتصاب و کم کاری صدها هزار کارگر در سراسر کشور صراحتا خلق های حکومت زنیال های شاه را فلج کرده، اعتصاب و روزنامه نگاران به نگانای طبیعت خواه که به تنبیز با ما نیرو و عوامل نسیه مردمی آن بر خاسته اند، و اردو مین هفت شده است، در همین حال اعتصاب در تمامی کوره های دانشگاهی، اعتصاب اکثر بازاری های کشور، اعتصاب بکارگران راه بسیاری از شهرها، اعتصاب فرهنگیان مبارز، تعطیل کلیه دبیرستانها، اعتصاب کارکنان مقام وزارت نیرو، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه، بیمه ایران و صدا و آاداره دولته دیگر دولتی یا نیمه دولتی وابسته به دولت، معز دولت زنیال ها و شکست عملی آن را در روبرویی با عزم انقلابی مردم ایران، تأکید می کند. مدهات از کارکنان تلویزیون ملی ایران که علی رغم تمام آن به ملت و مردم ایران تعلق نداد و به تلویزیون نظامیان تبدیل شده، در اعلامیه اش کارگرمبارزه موبایلی خود، ضمن تأکید بر پیوند با جنبش ملی آزادیخواهان مردم اعلام کرده است که سازمان را دیو و تلویزیون در اشغال نظامیان است و برای مبارزه با استبداد نظامی تلویزیون های خود را خاموش کند. و این ندایی است که از زیر پرده های خون آلوده ارتش آن حکومت فلابی که مرگ کشتی های اوتیووم پوش شاه به گمان خود می خوانند سیر مبارزان تحصیل کننده گوش می رسد.

در همین حال گزارش ها و پیام های کوتاهی که از نقاط مختلف ایران به دست ما رسیده حکایت از تظاهرات پرکوه و خشمگین مردم برای به جنگ آوردن آزادی به فارت رفته شاه دارد. این تظاهرات گزافه های گوش به فرمان شاه تمام طایفه خود را به کار گرفته اند تا هر چه بیشتر خرابی مربوط به آن را بچنان غوغا دارند، هر وقت داده ما دارد و از آن تشکیل دولت زنیال ها تاکنون صدها شهید مجروح بر جای گذاشته است.

تاکنون فقط خوسته است. ارتداد ادیبیت از تظاهرات خونین در شهرهای مختلف با اطلاع نسیم که دلیل مضمه آن کنترل ورود و خروج در اکثر شهرها و قطع یا کنترل تلفن های ما باشد. در سراسر روز ۲۹ آبان هزاران نفر از مردم این شهر که علیه رژیم جنایت پیشه شاه دست به تظاهرات زده و تعدادی از جوانان به دست های رژیم راکه به یاری و خوشه ساواک وارد عمل شده بودند به ساد گنگ گرفته بودند. هجوم پلیس و سربازان مسلح ارتش روبرو شدند. گزارش های شاه به روی مردم بی هماغ آتش گشودند و حداقل ۱۵ تن را کشته و دهها نفر را مجروح کردند. گزارشگرانی نویسنده می نویسد: ما در خیابانهای شهر در میانجا شهادت سوجوانان ۱۲-۱۳ ساله واردیم که در خون خود غرق شده بودند. شهرماری مانند بسیاری دیگر از شهرهای ایران در بی حالات مدام افراد مسلح و تیرانداز ها و جنگ و گریزهای چندین ساعت به صورت شهری جنگ زده درآمد. مردم علی رغم تمام تلاش ما سواران ارتش برای سرکوب مردم، تظاهرات عظیمی بر پا داشتند و طی آن لگرو حکومت نظامی آزادی زندانبان سیاسی را غوغا ستا شدند.

در مشهد نیز ما تعدادی در روز ۲۹ آبان خوندها آزادیخواهان شهر را کنگون کرد. همزمان روز ما حکومت نظامی و ساواک یکی از روحانیون مبارز و آزادیخواه این شهر را همگام سخنرانی در صحن صحرای حضرت رضا دستگیر کردند. مردم که سخت عصبانی شده بودند به طرف تعدادی از ما سواران ساواکسی حمله ور شدند و آنها را زیر بمباران و گزاف کردند. در همین لحظه ارتش به سوی مردم در داخل محن آتش گشود. در این تیراندازی دهها نفر به خاک و خون کشیده شدند. تعداد زیادی از مجروحان سینه گزیز خود را به داخل حرم گشتا ندهند تا بلکه از جنگ گزارهای شاه بگیرند اما ارتشبان به داخل حرم گلوله های گاز اشک آور تیرانداز کردند و سینه درها را بستند. ما

## سرنوینی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی خواست مبرم جنبش انقلابی مردم ایران است